

## انسان، اسلحه و جنگ

محمد مظلوم خراسانی (دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)  
mmkhorasani@ferdowsi.um.ac.ir

### چکیده

تاریخ جامعه بشری توأم با جنگ بوده است، تمایز انسان با دیگر موجودات در تسلط بر طبیعت و تسخیر آن است که برای تحقق این تسلط از طریق تعقل اقدام به ابزارسازی کرده است. ابزارسازی زمینه تولید و انباشت سرمایه را فراهم کرده و برای حمایت از این منافع مادی و خواسته‌های برتری طلبانه، توسط تولید ابزار اقدام به ساختن اسلحه کرده است، تکامل تولید ابزار به همراه تکامل تسلیحات بوده است و جوامع صنعتی با تولید و تجارت اسلحه به اقتصاد خود وجود قوام بخشیده و پشتوانه بازار کار، صنایع فلزی و تسلیحات را فراهم نموده‌اند. پیشرفت فن‌آوری و علوم در خدمت قدرت‌های سیاسی منجر به رقابت بر سر قدرت و سیطره بر جهان شده است که نهایت آن گسترش و تولید تسلیحات کشتار جمعی است.

برنامه‌های خلع و کنترل سلاح و مقررات بین‌المللی در کاهش و جلوگیری از جنگ تأثیری نداشته است. پیشنهادات مخالفین جنگ با راه‌حل تغییر ساختار اجتماعی کافی نیست، هم‌چنانکه نظریاتی که تلاش در جهت از بین بردن جنگ را بیهوده می‌دانند، به چالش کشیده می‌شوند و قابل انتقادند.

کلید واژه‌ها: تولید<sup>۱</sup>، امنیت ملی<sup>۲</sup>، جنگ<sup>۳</sup>، فن‌آوری<sup>۴</sup>، نظامی‌گری<sup>۵</sup>.

- 
- 1- Production
  - 2- National Security
  - 3- War
  - 4- Technology
  - 5- Militarism

## هفتم

## مقدمه

بی‌شک بررسی پدیده‌های اجتماعی در حیطه علوم اجتماعی قرار دارد، یکی از پدیده‌های اجتماعی که ابعاد اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی، روانی و . . . دارد، پدیده جنگ است. به قول دورکیم<sup>۱</sup> جامعه‌شناس به صورتی دیگر بیان تاریخ است و تاریخ در هر مرحله زمانی شاهد جنگ بوده است، تبیین واقعه اجتماعی با هر درجه از پیچیدگی زمانی ممکن می‌شود که تکامل آن را در جوامع مختلف مقایسه کنیم و این کار با کمک تاریخ شکل جامعه‌شناسی مقایسه‌ای می‌گیرد، جامعه‌شناسی مقایسه‌ای خود جامعه‌شناسی است (دورکیم، 1362: 166). جنگ‌ها با ابتدایی‌ترین ابزار جنگی تا پیشرفته‌ترین تسلیحات شکل گرفته‌اند و این ابزارآلات جنگی در فرآیند تولید و توأم با تکامل و پیشرفت ابزار تولید بوده است، ویژگی زندگی اجتماعی انسان با فعالیت تولیدی همراه بوده است و تغییر و تسخیر نسبی طبیعت توسط انسان از ویژگی‌های بارز زندگی آدمی است.

مبارزه و خشونت و نهایت سازماندهی هیجانانگیز و خشونت جمعی به خاطر توفیق‌طلبی و منافع جمعی در جنگ‌ها کاملاً مشهود است. جنگ‌ها در زندگی اجتماعی انسان با ابزارآلاتی به وقوع پیوسته که ساخته دست انسان به خاطر از بین بردن هم‌نوع خود بوده است، چیزی که در زندگی بقیه موجودات مشاهده نمی‌شود.

جوامع کوچک و توسعه نیافته با تسلیحات ابتدایی و تکامل نیافته جنگ کرده‌اند، ولی جوامع توسعه یافته و ایجاد پیمان‌های بزرگ نظامی بین کشورها از نظر تسلیحاتی پیشرفته و تکامل یافته‌تراند.

هر اندازه جامعه از نظر علمی و فن‌آوری صنعتی‌تر شده باشد، به همان اندازه هم پیشرفت و تکامل تسلیحات افزایش یافته است.

---

1- Durkheim

در این نوشتار سعی شده است که تلاش تولیدی و فعالیت‌های علمی انسان را در هر مرحله از تاریخ را با ابتکارات تسلیحاتی مرتبط ساخته و ارتباط جنگ با نوع جوامع را مورد بررسی قرار می‌دهد.

### بیان مسأله

تاریخ از دیرباز شاهد اعمال خشونت و پرخاشگری از طریق انسان‌ها نسبت به یکدیگر بوده و انسان با طبیعت در تضاد بوده است. دگرگونی و تسلط بر طبیعت، یکی از ویژگی‌های زندگی مخصوص به آدمی است. دگرگونی و تسلط بر طبیعت به خاطر رفع نیازهای انسانی با استفاده از تعقل و تفکر که وجه تمایز انسان با دیگر موجودات است، به کار گرفته شده است. تاریخ زندگی بشر شاهد این درگیری با طبیعت به خاطر رفع نیازهای خود بوده است. در این راستا زندگی انسان مملو از کشمکش‌ها و جنگ‌های بی شماری بوده که ویژگی این درگیری‌های فیزیکی پرخاشگری و خشونت بوده است. عقل سلیم انسان را به اجتناب از جنگ دعوت می‌کند، اما بررسی رفتار خصومت‌آمیز انسانی تحت تأثیر عوامل غریزی است که این گونه رفتارهای پرخاشگرانه را در رفتار حیوانات هم می‌توان مشاهده نمود. چرا حیوانات با یکدیگر در جنگ و جدال‌اند؟ این موضوع را زیست‌شناس معروف چارلز داروین<sup>۱</sup> به مقوله تنازع بقاء نسبت می‌دهد.

علت اساسی نزاع و جنگ و جدال بین حیوانات و جانوران متفاوت در ارتباط با نیازهای مادی و اساسی حیوان یعنی غذا است (ادیبی، 1379: 8).

البته جنگ در بین حیوانات هم نوع در شرایط طبیعی کمتر بوده و در زمانی که شرایط غیر طبیعی بر زندگی آنان تحمیل می‌شود، خشونت بین حیوانات هم نوع بروز می‌کند. جنگ بین انواع حیوانات بنا به نظر داروین منجر به انتخاب اصلح و تکامل برخی از انواع آن گردیده

## هفتم

است و بر همین اساس جامعه‌شناسانی مانند گالتن<sup>۱</sup> که متأثر از زیست‌شناسی داروین قرار گرفته‌اند، مکتب سوسیال دارونیسم یا دارونیسم اجتماعی را مطرح و علت به‌وجود آمدن نابرابری‌های اجتماعی را در عوامل طبیعی و زیستی دانسته‌اند (وشوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر، 1371: 243) یا افرادی چون لودانتک<sup>۲</sup> و کنتون<sup>۳</sup> پدیده‌های خصومت‌آمیز و جنگ در میان انسان‌ها را در مقایسه با تقسیم کار اجتماعی مهم‌تر می‌دانند که متأثر از نظریات دارونیسم می‌باشد (بوتول، گاستون، 1368: 27). با مطالعه تاریخ در جوامع مختلف شاهد جنگ بوده‌ایم، همان‌طوری که دورکیم جامعه‌شناسی را به شکلی دیگر بیان تاریخ تعریف کرده است (همان، 1) به همین خاطر بررسی پدیده جنگ و پرخاشگری و خشونت با ابتدایی‌ترین وسایل و جنگ‌افزار تا پیش‌رفته‌ترین آن شکل گرفته که این تسلیحات به‌وسیله انسان اختراع و تولید شده است، هر اندازه جوامع توسعه یافته‌تر باشند، صنعتی‌تر شده و در نتیجه در تولید تسلیحات هم به مدد پیش‌رفت علم و صنعت افزایش و گسترش یافته‌اند.

## تعریف مفاهیم

**پرخاشگری:**<sup>۴</sup> را از ریشه لاتین (aggredi) به معنی اقدام برای حل یک مسأله دانسته‌اند. علت پرخاشگری از بعد روان‌شناسی به ناکامی، محرومیت<sup>۵</sup> و سرخوردگی برمی‌گردد. وضعیت محرومیت به مانند مانع و سدی شباهت دارد که رسیدن انسان به خواسته‌هایش را مسدود می‌کند. محرومیت با فشار روانی<sup>۶</sup> یا تعارض روانی<sup>۱</sup> قابل مقایسه است (مان، نرمان ل، 1363: 457).

1- Galton

2- Le Dantec

3- Quinton

4- Aggression

5- Frustration

6- Psychological Stress

**جنگ:**<sup>۲</sup> کوینسی رایت<sup>۳</sup> جنگ را این چنین تعریف کرده است «جنگ می تواند نزاع همزمان میان نیروهای مسلح، احساسات مردمی، تعصبات حقوقی و فرهنگ های ملی تلقی می شود» (بوتول، گاستون، 1368: 33).

کلازویتس<sup>۴</sup> نظریه پرداز مشهور نظامی در مورد هدف جنگ بر این باور بود که هدف از جنگ به عنوان عملی خشونت بار و وادار کردن خصم و دشمن به انجام خواسته های طرف دیگر می باشد. گاستون بوتول نظریه پرداز مشهور جامعه شناسی جنگ که واژه جنگ شناسی<sup>۵</sup> را برای اولین بار پیشنهاد کرد، در تعریف جنگ می گوید: جنگ مبارزه ای است مسلحانه و خونین که طرفین و گروه های درگیر از سازماندهی برخوردارند. (هاوارد، مایکل، 1377: 68 و گاستون بوتول، 1368: 32).

**تولید:**<sup>۶</sup> به معنی اقتصادی آن، حاصل فعالیت اقتصادی انسان است که در نهایت به آفرینش کالاها و خدماتی منتهی می شود که قادر به ارضای نیازهای افراد و جماعات می شود. تولید با مناسباتی همراه است، مناسبات تولیدی، مبنای واقعی شکل و سازمان هر جامعه است. شیوه های به دست گرفتن ثروت و درگیری و مبارزات طبقاتی را شامل می شود. روش های مختلف تولید باعث پیدایش نظام های سیاسی - اجتماعی متفاوتی را فراهم می کند. (آلن بیرو، 1370، 297).

---

1- Mental Conflict

2-War

3-Quincy Wright

4- Clauswitz-

5-Polemologie-

6-Production

## هفتم

امنیت ملی<sup>۱</sup>

امنیت در لغت به معنی ایمن شدن، در امان بوده و از طرفی دیگر مفهوم امنیت به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بودن و رضایت و در مورد افراد به نبود هراس و بیم و تأمین حقوق و آزادی‌های او تعبیر می‌شود (صدیق سردستانی، 1375: 115). امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش در مقابل تهدیدات تعریف شده است (نویدنیا، 1382: 62) و امنیت ملی را حفظ‌کیان و اساس هویت تاریخی یک ملت در مقابل هجوم بیگانگان دانسته‌اند.

**نظامی‌گری:**<sup>۲</sup> به معنی اهمیت فوق‌العاده دادن به آیین‌های نظامی و تبلیغات دائمی سیاست خارجی توسعه طلبانه و متجاوز، به نحوی که در نهایت روابط بین‌الملل را به خطر می‌اندازد. (می‌یر، پتر، 1368: 107).

**فن آوری:**<sup>۳</sup> از ریشه یونانی به معنای مهارت و گفت‌گو گرفته شده است. فن آوری با پیدایش دانش کاربردی به وجود آمده است و فلسفه فنون را به معنی وسیع آن در نظر گرفته‌اند و به قول لالاند<sup>۴</sup> فن‌شناسی به معنی مطالعه روش‌های فنی با در نظر گرفتن ابعاد کلی آن و روابطش را با توسعه تمدن در نظر گرفته است. (آلن بیرو، 1370: 426).

## چارچوب نظری

در ارتباط با جنگ صاحب‌نظران با سلايق متفاوت، این پدیده را مورد قضاوت و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. هگل<sup>۵</sup> اعتقاد دارد که جنگیدن بیشتر عملی اخلاقی است، زیرا در تاریخ حقیقت آزادی توسط جنگ تحقق می‌یابد. (جهانبگلو، رامین، 1368: 92) و یا از دیدگاه هگل "جنگ مرحله‌ای است از تعالی انسان، شهروند در برابر دنیای نیازمندی‌های وی" (همان، 80).

1 -National Security

2 Militarism

3 Technologie

4 Laland

5 Hegel

در اندیشه مارکس<sup>۱</sup> علت اساسی نابرابری‌های اجتماعی و جنگ‌های طبقاتی در درون جامعه و حتی جنگ‌های تاریخی بین دولت‌ها به دلیل رقابت‌های اقتصادی و مالکیت فردی بر ابزار تولید بوده است. (انگلس، فریدریش، ۱۹۷۱: ۱۴۷).

در نظریات فوق مشاهده می‌شود که هر نوع محدودیت و عدم ارضاء خواسته‌های طبیعی و غریزی آدمی منجر به محرومیت و در نهایت پرخاشگری می‌شود. از دیدگاه علمای اسلامی چون امام محمد غزالی انسان طبیعت دو گانه دارد، انسان جایگاهی بین فرشته و حیوان دارد، هم به ماده و هم به روح تعلق دارد. نظریه ربوبیت غزالی در کتاب احیاء علوم‌الدین قابل تعمق و توجه است.

«روح بر حسب طبیعت، به سوی بلندی و رفعت انعطاف دارد تا به عبودیت و ذلت. در عمق روح هر انسانی همان‌گونه تمایلات نهفته است که در فرعون. منتهی این تمایلات به لحاظ اقتضای شرایط موافق، در فرعون تظاهر و بروز کرد. همه می‌خواهند مانند فرعون بر روی بردگانشان، زیردستانشان، هواداران‌شان و مشتریان‌شان اعمال قدرت و حاکمیت کنند.» (قاضی، ابوالفضل، ۱۳۷۲: ۱۵۸).

بدین معنی که انسان‌ها برای برتری و تفوق و سلطه بر دیگران تلاش می‌کنند و در ذات انسانی این غریزه نهفته است. تضادهای اجتماعی از فرد شروع و به گروه و طبقه و ملت می‌رسد و این علت اساسی خشونت‌ها و جنگ‌ها از دیدگاه غزالی می‌باشد. نوع غلبه و جنگ و درگیری فیزیکی بین حیوانات به یک سبک و شکل بوده است که آن‌ها از اعضاء و جوارحی که در ساختمان بدنی‌دارا هستند، استفاده می‌کنند و این نوع تهاجم و دفاع مانند کلیه نیازهای زندگی آن‌ها مانند تغذیه، مسکن، پوشش در طول تاریخ ثابت و یکسان بوده است، ولی انسان با همان قدرت تعقل و تفکری که دارد، اقدام به فرهنگ‌سازی (کتابت، تکلم) و ابزارسازی کرده است و در نتیجه رفع نیازهای مادی توسط ابزار تولید بوده که سیر تکاملی داشته است. پیشرفت و تکامل ابزار تولید، تاریخ فن‌آوری یا تکنولوژی<sup>۲</sup> را در زندگی انسان بیان می‌کند.

1 Marx

2- Technology

## هفتم

یکی از دغدغه‌های انسان ترس و هراس از نبودن امنیت و تجاوز بیگانگان بوده است که منجر به ایجاد دولت و برقراری نظم و امنیت تحت تأثیر مقررات و قوانین اجتماعی شده است. توماس هابز بر این نظریه است که قدرت از جان شهروندان حمایت و جلوگیری از تجاوز تبه کاران و حمله بیگانگان می‌شود و طبق تعریف این داور همان حاکم جامعه و دولت است (تاک، ریچارد، 101:1376). توماس هابز می‌افزاید که قوانین طبیعی چون عدالت، انصاف، ترحم و اعتدال بدون وجود ترس از قدرتی که موجب رعایت آن‌ها گردد، با خواسته‌های طبیعی ما مغایر است، زیرا که امیال طبیعی به غرض ورزی، غرور و کینه جویی نسبت به دیگران رهنمون می‌گردد (هابز، توماس، 187:1380).

برقراری امنیت و دفع تجاوز با استفاده از اهرم سلاح بوده است که این خود به وسیله ابزار تولید ساخته شده است. برای دفاع از امنیت فردی و در سطح کلان امنیت ملی، می‌توان استفاده از ابتدایی‌ترین تا پیچیده‌ترین تسلیحات کشتار جمعی امروزی را مثال زد. در نتیجه می‌توان گفت که ایجاد و برقراری امنیت و رفع تجاوز عامل و انگیزه اساسی تولید تسلیحات بوده است.

جنگ‌ها از سازماندهی که توسط دولت‌ها ایجاد شده بودند، برخوردار و به وقوع پیوسته‌اند. نهاد دولت به عنوان نهادی ضروری در زندگی انسان مشهود و از ساده‌ترین قبایل تا جوامع پیچیده امروزی دارای نهاد دولت بوده‌اند و مهم‌ترین کارکرد دولت برقراری نظم و امنیت است که به عنوان یک نیاز ضروری و اساسی در زندگی پذیرفته شده است. دولت به عنوان نهادی که بالاترین قدرت را در جامعه داراست و حاکمیت آن نباید متزلزل و خدشه‌پذیر شود و این اصل مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. مطالعات در مورد منشأ دولت، غالباً به این نتیجه رسیده‌اند که دولت در اثر جنگ و کشمکش به وجود آمده است.



ابن خلدون<sup>۱</sup> ریشه دولت‌ها را در جنگ و گریز بین بادیه‌نشینان و یک‌جانشینان دانسته است (کونیک، ساموئل، 1346: 112). نیکولو ماکیاولی<sup>۲</sup> سرچشمه دولت را در جنگ و ادامه حیات دولت را منوط به کشورگشایی و توسعه قلمرو دانسته است (ماکیاولی، نیکولو: 1374). مارکس واپن‌هایمر<sup>۳</sup> کشمکش و اختلاف اقتصادی را منجر به نبرد طبقاتی و به‌وجود آمدن دولت دانسته‌اند (موریس دوورژه، 1369: 145). توماس هابز<sup>۴</sup> علت وجودی دولت را در قراردادهای اجتماعی می‌داند و مهم‌ترین کارکرد دولت را تأمین امنیت ذکر کرده است (هابز، توماس، 1380: 190).

با توجه به مطالب فوق ملاحظه می‌کنیم که روند به‌وجود آمدن دولت در جنگ و کشمکش و هم‌بقاء و حفظ قدرت سیاسی توسط دولت با کمک از قدرت نظامی شکل گرفته است.

عظمت و انحطاط دولت‌ها در طول تاریخ به قدرت نظامی بستگی داشته است.

به همین دلیل است که نهاد نظامی با اشکال و مدل‌های متفاوتش مورد توجه دولت‌مردان قرار گرفته است. "نظامی‌سالاری" به انحاء مختلف مشاهده شده است، حتی بسیاری از کشورهای توسعه نیافته زیر نفوذ قدرت نظامیان به شکل مستبد و غیر دموکراتیک هدایت می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین کارکردها و وظایف دولت، تأمین نظم و امنیت در داخل و حمایت از منافع ملی و دفاع از کشور در مقابل تهدیدات خارجی است. همین امر باعث شده است که دولت‌ها به تقویت بنیه نظامی خود بپردازند. به‌ویژه در مقابل تهدیدات خارجی. تضاد و اختلاف منافع ملت‌ها و دولت‌ها باعث رودررو قرار گرفتن آنها شده است که اساساً دولت‌ها سازمان‌دهنده و شروع کننده جنگ محسوب می‌شوند.

---

1- Ibn khaldon

2 -Machiavelli, Niccolo

3- Oppenheimer

4- Thomas Hobbes

## هفتم

هر دولتی از منافع جمعیتی خاص در منطقه جغرافیایی مشخص دفاع می‌کند و موقعی که این منافع در حال نابودی یا کاهش باشند، و یا قدرت دولت‌ها تضعیف شوند صف‌آرایی شکل گرفته و خشونت به حد اعلیٰ خواهد رسید. در داخل یک جامعه تولید یدی و فکری و مبادله و تجارت نیازمند به برقراری امنیت است و در این جهت کارایی دولت سنجیده می‌شود. تأمین منافع و امنیت ملی از وظایف دولت است که بیشتر دولت‌ها تقویت بنیه نظامی و تخصیص بودجه نظامی را به همین دلیل مطرح و توجیه می‌کنند. تکاثر سرمایه انگیزه و افزایش قدرت سیاسی در خارج از مرزهای جغرافیایی یک دولت به حرکت درآمده و جهان‌گشایی<sup>۱</sup> را پیشه خواهد کرد.

یکی از دلایل سردمداران امپریالیسم جهانی برای لشگرکشی و تجاوزات نظامی در اقص نقاط دنیا تأمین امنیت و منافع ملی کشورهاشان می‌باشد. در این مورد امری رو<sup>۲</sup> تجاوزات و لشکرکشی‌های کشورهای صنعتی را توجیه نموده و به دفاع برخاسته است. به نظر وی «تمایل به امنیت علت اساسی امپریالیسم است». (بوتول، گاستون، 1368: 103).

همان‌طوری که هیچ جامعه‌ای بدون نظام ارزشی وجود نداشته است، هیچ جامعه‌ای هم بدون فعالیت تولیدی در طول تاریخ مشاهده نشده است. بخشی از این تولیدات کالاها مورد نیاز جامعه بوده‌اند که سود فروش این کالاها در دسترس طبقه صاحب سرمایه قرار می‌گرفته است و این اهرم و امکان اقتصادی به عنوان یکی از عوامل پیدایش و تقویت قدرت سیاسی محسوب می‌شده است. بخش دیگری از تولیدات ابزارآلات جنگی و تسلیحات بوده‌اند که تصاحب این ابزارآلات جنگی توسط طبقه مسلط و حاکم باعث تحکیم قدرت سیاسی و تقویت صاحبان ثروت می‌شده است. تکنیک تولید اسلحه رابطه‌ای با ساخت اجتماعی دارد، حتی ارسطو در زمان حیاتش اشاره به ساختن برج و بارو و تجهیزات نظامی پرداخته و

---

1- Imperialism

2- Emery Reves

پاسداران شهر را موظف دانسته که باید همیشه علاوه بر ابزار آلات کهنه، به دنبال نوآوری و تجهیزات تازه نظامی باشند (ارسطو، 1371:308).

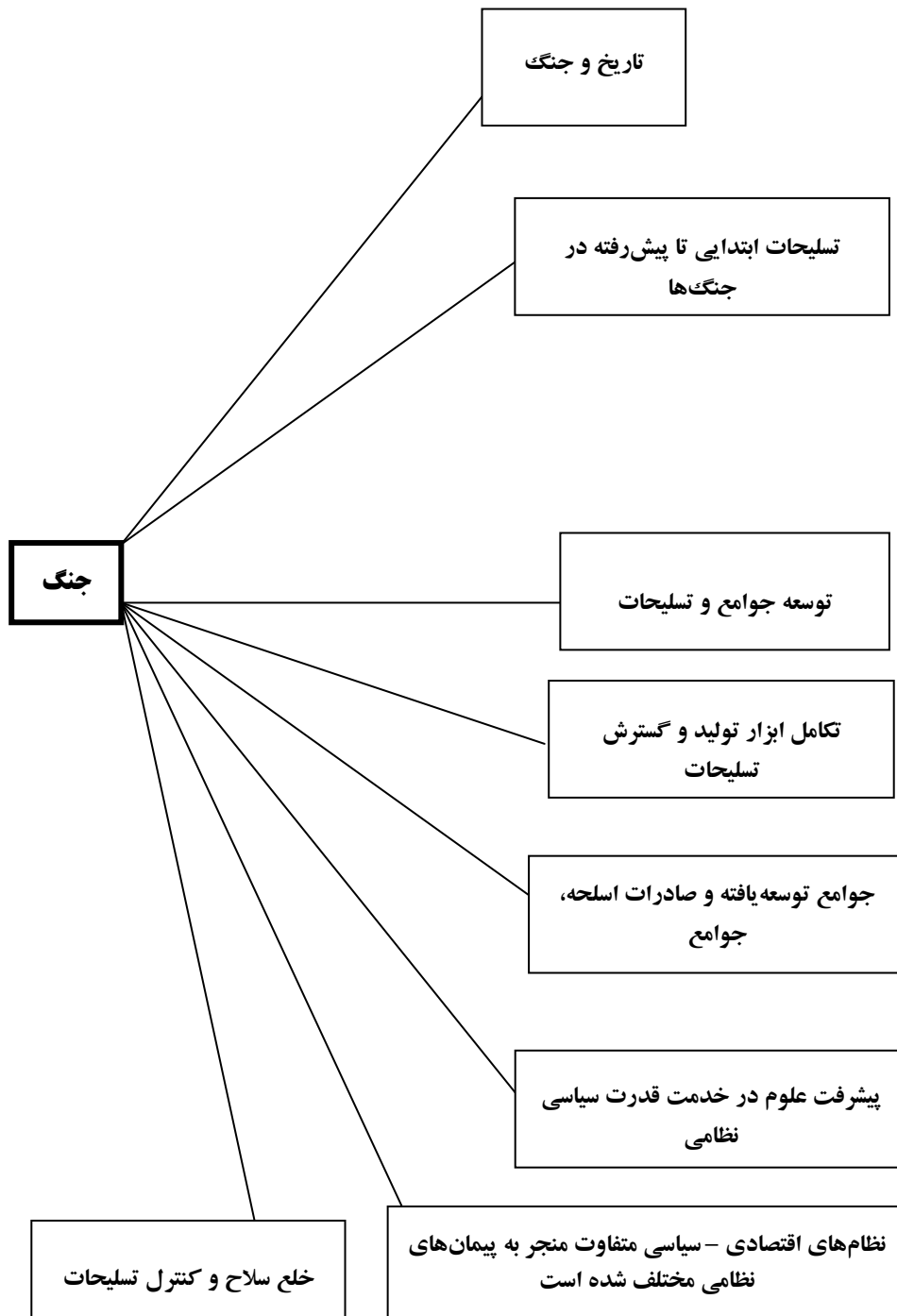
### اهداف و فرضیات تحقیق

- 1- در دوران‌های مختلف تاریخ جنگ از ابتدایی‌ترین تا پیچیده‌ترین تسلیحات پیش‌رفته امروزی استفاده کرده است.
- 2- دولت‌ها جنگ‌ها را سازماندهی و از دل سیاست و دولت جنگ به وجود می‌آید.
- 3- هر جامعه دارای شکل خاص اقتصادی - اجتماعی است که با درجه‌ای از توسعه متناسب است که منجر به تولیدات می‌شود و کیفیت و اشکال این تولیدات هماهنگ با نوع ابزار تولید است.
- 4- تسلیحات در فرآیند تولید به وجود آمده و پیچیدگی آن بستگی به تکامل ابزار تولید دارد.
- 5- جوامع توسعه نیافته به تعبیری صنعتی نشده در مقایسه با جوامع پیش‌رفته و توسعه یافته صنعتی توانایی تولید و صادرات تسلیحات پیش‌رفته را ندارد.
- 6- جوامع توسعه نیافته وارد کننده و کشورهای توسعه یافته صادر کننده تسلیحات هستند.
- 7- برای حفظ امنیت و منافع ملی نیاز به اهرم نهاد نظامی است.
- 8- هر اندازه کشورها دارای ثروت و سرمایه بیشتری باشند، نیاز به توسعه نهاد نظامی در آن‌ها بیشتر است.
- 9- نظام‌های اقتصادی - سیاسی متفاوت به خاطر حفظ منافع اقتصادی و تولیدات خود، بلوک‌های نظامی متفاوتی را ایجاد کرده‌اند. رقابت‌های اقتصادی پایه رقابت‌های تسلیحاتی در نظام‌های متفاوت خواهد شد.
- 10- پیش‌رفت علوم و تحقیقات منجر به افزایش قدرت نظامی شده است و ارتش‌ها اولین مصرف کننده داده‌های علمی می‌باشند.

## هفتم

11- فرضیه اصلی: پیشرفت علوم منجر به توسعه و تکامل ابزار تولید و به موازات تکامل ابزار تولید، گسترش و تنوع در تسلیحات و جنگ‌ها مشاهده می‌شود.

## مدل تحقیق نظری



## تاریخ و جنگ

حرکت تاریخ در راستای توسعه و پیشرفت مادی نشانگر ساخت و استفاده انسان از ابزار تولید بوده است. انسان از عصر حجر (سنگ) اقدام به استفاده از ابزار کرده است. ابزارهای ساده‌ای که از سنگ و چوب‌های جنگلی ساخته شده بودند. در دوره پارینه سنگی انسان‌ها از سنگ‌های نتراشیده استفاده می‌کردند و در دوره نوسنگی با تکامل فکری خود، تغییری در سنگ‌ها دادند و از آن به عنوان اسلحه دفاعی و تعرضی در شکار استفاده کردند. در دوره نوسنگی صنعت سنگ‌تراشی و تهیه ابزارهای گوناگون و هم‌چنین کشف آتش در پیشرفت انسان مؤثر بوده است. در این دوره ابزارهای سنگی را از قبیل تبر، نیزه، کارد را از سنگ آتش‌زنه می‌ساختند. در دوره سنگ صیقلی انسان‌ها علاوه بر تهیه ابزارهای سنگی، آن‌ها را صاف و صیقل داده و از آن‌ها تبر، کارد و نیزه تهیه می‌کردند. با فرا رسیدن دوره یا عهد فلز، دوره‌های عهد حجر به پایان رسید. دوره عهد فلز هفت هزار سال قبل از میلاد شروع شد و به سه دوره: الف) دوره مس و طلا ب) دوره مفرغ ج) دوره آهن تقسیم شده است، که دوره آهن هزار سال قبل از میلاد آغاز گردید و بعضی از اقوام آسیایی به کشف و ذوب آهن پرداختند و همین زمینه پیشرفت مادی و تکامل ابزار تولید را سرعت بخشید.

از این مرحله به بعد بیشتر ابزارهای آهنی جهت تولید سلاح‌های جنگی استفاده شد، هم‌چنین حمل و نقل مواد کشاورزی را با وسایل فلزی آهنی بهتر انجام دادند (فضائی، یوسف، 1356: 174).

عصر ماشینی امروز هم تداوم عصر آهن است که دوره‌های کشف بخار، اتم و فضا را تاکنون پشت سر گذاشته است و به دوره صنعتی معروف شده است. در دوره‌های قبل از آهن هم کشمکش و جنگ‌های فراوانی به وقوع پیوسته‌اند و حتی اگوست کنت<sup>1</sup> معتقد است که

تعداد تلفات جنگ‌های قدیم بیشتر از جنگ‌های دوره جدید بوده است (بوتول، گاستون، 1368: 23) که با توجه به قابلیت تسلیحات کشتار جمعی امروز قابل تأمل و تردید است. نهاد ارتش و جنگ در تمام اشکال جوامع من جمله سرواژی<sup>۱</sup> یا بردگی اشرافی<sup>۲</sup> ارباب و رعیتی<sup>۳</sup> سرمایه‌داری<sup>۴</sup> سوسیالیسم<sup>۵</sup> و غیره در طول تاریخ مشاهده شده است.

### تسلیحات ابتدایی تا پیشرفته در جنگ‌ها

ابزارسازی تنها ویژگی متعلق به انسان است که برای تغییر طبیعت و شکار و رفع تهدید به کار گرفته شده است، دسته‌بندی که در مورد انواع جوامع انجام شده است؛ مانند جامعه سنتی و جامعه صنعتی، به تعبیری دیگر درجه پیشرفت و تکامل ابزار تولید در این جوامع را نشان می‌دهد. پیشرفت ابزار تولید توانسته است نیازهای انسانی را متنوع و گسترش و در عین حال رفع نماید، علاوه بر آن باعث پدید آمدن مجتمع‌های بزرگ نظامی - صنعتی<sup>۶</sup> شده است که تولیدات آن‌ها تسلیحات می‌باشد. تاریخ نظامی نشانگر این بوده است که از یک سو تلاش دائمی برای تطبیق سلاح با زره (سپر دفاعی) و از طرف دیگر تطبیق نفر با تکنیک بوده است (بوتول، گاستون، 1368: 122) انسان به خاطر تأمین نیازهای خود اقدام به ساختن ابتدایی‌ترین ابزار و اسلحه تا پیشرفته‌ترین آن‌ها کرده است.

### توسعه جوامع و تسلیحات

استفاده از تسلیحات ابتدایی چون سنگ‌های صیقلی، خنجر تا سلاح‌های مخرب کشتار جمعی در طول تاریخ بستگی به درجه‌ای از توسعه این جوامع داشته است.

1- Servage

2- Aristocratie

3- Feudalism

4- Capitalism

5- Socialism

6- Military – Industria Complex

## هفتم

نقش اسب و ارابه‌های جنگی برای حمل و نقل، پیمودن راه‌های طولانی و تحرک سریع را در جنگ‌های اولیه تاریخ نمی‌توان به فراموشی سپرد. استفاده از این حیوان در آرایش‌های نظامی بسیار مؤثر بوده است و باعث به‌وجود آمدن رسته‌های مختلف در ارتش‌ها شده است که پیاده‌نظام و سواره‌نظام را می‌توان مثال زد. سواره‌نظام‌ها در دوران فتودالیسم بیشتر اشراف زادگان<sup>۱</sup> بودند. حتی در حکومت‌های ملوک‌الطوایفی که قدرت سیاسی غیر متمرکز بود، این حکومت‌ها بر قدرت سلاح سواره‌نظام حکمرانی می‌کردند و وابستگی نداشتند. اما کشورهای صنعتی با تولیدات کالاهای نظامی و غیر نظامی وابستگی شدیدی به تأمین مواد اولیه و انرژی پیدا کرده‌اند، ولی با توسل به زور و استفاده از همین توانایی و بنیه نظامی توانسته‌اند با غارت و چپاول، نیاز اولیه صنعت خود را برآورده سازند. در مقابل کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه چون از نظر فن‌آوری و شیوه تولید و ثروت در حدی نیستند که تولید تسلیحات مانند کشورهای پیشرفته صنعتی داشته باشند و همین عامل باعث شده است که این کشورها تبدیل به بازار مصرف تولیدات تسلیحاتی کشورهای صنعتی شوند. وابستگی علمی، وابستگی به قطعات و مواد اولیه این نوع تسلیحات زمینه وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را هم به‌دنبال داشته است، به طوری که حضور مستشاران نظامی در این کشورها مؤید وابستگی علمی و تکنیکی است. از همه مهم‌تر این کشورهای در حال توسعه و یا توسعه نیافته برای خریداری کالاهای نظامی مجبور به تاراج و حراج مواد اولیه، نیروی انسانی و حتی طبیعت خود شده‌اند، تا بتوانند واحد پولی یا ارز خارجی کشورهای صنعتی را فراهم نموده و ذخیره ارزی داشته باشند و بدین طریق زمینه خرید و واردات تسلیحات را ممکن سازند.

تولید تسلیحات در جامعه صنعتی توسعه یافته نصیب صاحبان سرمایه می‌شود، علاوه بر آنکه سیاست‌گذاری اقتصادی در داخل و خارج این کشورها در جهت تأمین منافع اقلیت صاحب سرمایه انجام می‌شود و اکثر جمعیت این کشورها در مقابل گرایش و خواسته سرمایه و سرمایه‌دار، منفعل و نقش جانبی و فرعی را ایفا می‌کنند.



ایجاد مکان کار در روند تولید، توزیع و خدمات ایجاد می شود، بوم باورک<sup>1</sup> معتقد است که جنگ "تابع پدیده عام طولانی شدت فرآیندهای تدارک و تولید است" (بوتول، گاستون، 1368: 36) کشورهایی که وقوع جنگ را در آینده حدس می زنند و احساس خطر می کنند، در پی تدارک و تولید تسلیحات بر می آیند که این تدارکات اعم از ساختن استحکامات، بنادر، زرادخانه‌ها، تأمین نیروی انتظامی متخصص و غیره می باشند و این کار علاوه بر ضرورت سرمایه گذاری ایجاد بازار کار می کند. در زمان صلح ایجاد مکان کار در صنایع فلزی و کارخانه های تولید کننده تسلیحات فراهم می شود، در زمان جنگ هم به علت بسیج همگانی و برطرف کردن نیازهای جبهه بیکاری به حداقل می رسد. معمولاً موج بیکاری پس از پایان جنگ و اتمام باز سازی خرابی های حاصل از جنگ پدیدار گشته و افزایش می یابد. اقتصاددان مشهور کینز<sup>2</sup> بر این باور است که "تدارک جنگ به تحقق کار تمام وقت و در بعضی موارد به حصول توازن اقتصادی کمک می کند. هزینه های نظامی چنان در حیات ملی و بودجه های ما ادغام شده اند که اگر آن ها را ناگهان حذف کنیم، مشکلات وخیمی از نظر بیکاری و بازارها پیش خواهد آمد" (همان، 38).

نمونه بارز آن را می توان قبل از جنگ دوم جهانی در آلمان مثال زد. سیاست اقتصادی هیتلر زمینه سرمایه گذاری های گسترده در بخش تولید تسلیحات را فراهم نمود. شرکت های بزرگ سرمایه داری از این سیاست به خاطر رقابت با دیگر شرکت های کشورهای دیگر اروپایی استقبال کردند. زمان روی کار آمدن هیتلر و حزب نازی در سال 1933، اقتصاد جهانی با بحران روبه رو بود. آلمان در حدود 7 میلیون نفر بیکار داشت و برنامه ریزی اقتصاد با تمرکز سرمایه در بخش صنعت تسلیحاتی توانست در مدت کوتاهی بیکاری را به حد 6/1 میلیون نفر یعنی 9/2٪ کاهش دهد.

---

1- Boehm Bawerk

2- Keynes

## هفتم

در سال 1935 میزان بیکاری به حد  $4/5$  میلیون نفر رسید و در عین حال با توجه به روند تولید سرمایه‌داری بیکاری در حد  $2/97$  میلیون نفر باقی ماند. سرمایه‌گذاری در بخش صنعت تسلیحاتی در سال 1932 قبل از روی کار آمدن هیلتز 620 میلیون رایش مارک<sup>1</sup> بود که به 3300 میلیون رایش مارک در سال 1935 در زمان زمام‌داری هیلتز رسید. ایجاد مکان کار با احداث بزرگراه‌ها و ساختن جاده‌های حمل و نقل که جنبه استراتژیک نظامی داشت و از سویی دیگر ارتباطات و حمل و نقل کالاها را تسهیل و تسریع می‌کرد و در حدود 533 میلیون رایش مارک برای جاده‌سازی و حمل و نقل تخصیص یافت. بودجه تسلیحات از سال 1933 تا 1938، یک سال قبل از جنگ به  $14/8$  میلیارد رایش مارک افزایش یافت (ویلمار، فریتز، 1973: 55).

در کشور آمریکا هم افزایش بودجه نظامی و کاهش میزان بیکاری، همبستگی شدیدی نسبت به یکدیگر دارند. در حول و حوش جنگ دوم جهانی روزولت<sup>2</sup> با برنامه‌های اصلاحی خود نتوانست کاملاً بی‌کاری را از بین ببرد و آمار نشان می‌دهد که  $25/2\%$  از کل نیروی کار در آمریکا در سال 1933 بیکار بودند و به  $13/3\%$  در سال 1937 کاهش یافت و یک‌سال قبل از شروع جنگ دوم جهانی (1938) دوباره به  $18/7\%$  رسید. کشور آمریکا در سال 1939 دارای  $90/5$  میلیارد دلار تولید ناخالص ملی بود،  $1/2$  میلیارد دلار بودجه نظامی داشت و نرخ بیکاری  $17/2\%$  اعلام شد، در همین کشور در سال 1970-71 تولید ناخالص ملی  $959/6$  میلیارد دلار با  $78/9$  میلیارد دلار بودجه نظامی و نرخ بیکاری  $4/2\%$  گزارش شده است (همان: 64).

بودجه نظامی در آمریکا قبل از جنگ دوم جهانی تقریباً کم بود، ولی میزان افراد بیکار در ایالات متحده در حد بسیار بالایی بود و با شروع جنگ و افزایش میزان بودجه نظامی شاهد کاهش بیکاری و اشتغال کامل می‌باشیم. بین سال‌های 1952-54 که بحران کره به وجود آمد،

1- R M

2- Roosevelt

در نتیجه افزایش بودجه نظامی در آمریکا را شاهدیم که به موازات آن باز نرخ بیکاری رو به کاهش نهاد. با آغاز جنگ ویتنام بودجه نظامی افزایش یافت، به طوری که بین سال‌های 67-1965 به بودجه نظامی آمریکا 49 میلیارد دلار افزوده شد (همان، 68) در سال 1968 حدود 8/2 میلیون نفر در بخش صنعت نظامی (خصوصی یا دولتی) اشتغال داشتند. یعنی از هر ده نفر شاغل، یک نفر از بودجه وزارت دفاع امرار معاش می‌کرد، به عبارتی دیگر از هر شش یا هفت نفر، یک نفر از شهروندان جامعه آمریکا وابسته اقتصادی به بودجه نظامی این کشور بود. صنایع نظامی در حدود 12 تا 14 میلیون مکان کار را در خود جای داده است. به همین دلیل وزارت دفاع (پنتاگون) به عنون بزرگ‌ترین کارفرما در جامعه توسعه یافته صنعتی آمریکا محسوب می‌شود.

جوامع توسعه نیافته نمی‌توانند تحمل مخارج سنگین تسلیحاتی را بکنند و جوامع ثروتمند که همان کشورهای صنعتی هستند، توان تحمل این نوع مخارج را دارا هستند. برای حمل کلاهک‌های منفجره عادی یا هسته‌ای نیاز به وسیله حمل و نقل می‌باشد که همان موشک‌ها هستند که فرضاً بمب‌هایی به وزن 100 مگاتن را بتوانند حمل کنند و در یک رقابت تسلیحاتی این توانایی باید در بالاترین حد نگه داشته شود و در مقیاس وسیعی قدرت تخریب تسلیحات هسته‌ای به نمایش گذاشته شود. تصمیمی قطعی راجع به تعداد موشک‌های مورد نیاز به جوابی روشن نرسیده است. چگونه این موشک‌ها انبار و نگهداری شوند، تقسیم و پراکندگی آن‌ها چگونه باشد، موشک‌های متحرک و ساکن چگونه نگهداری شوند، به این سؤالات شناخت صحیح از تأثیرات تسلیحات هسته‌ای جواب می‌دهد.

همان‌طور که گفته شد تاریخ نظامی عبارت از تطبیق سلاح با زره و تکنیک با نفر است. برای هر سلاحی سپر دفاعی و ضد سلاح در نظر گرفته شده است. برای موشک‌ها هم یک سیستم دفاعی ضد موشک ساخته شده و تکامل یافته است، خنثی کردن موشک‌ها در فضا نیازمند به استقرار سیستم‌های دفاعی و ضد موشکی است، علاوه بر این ساختن پناه‌گاه‌ها، استفاده از لباس‌های خاص ضد تشعشع یا ماسک‌های ضد گازهای شیمیایی یا استفاده از

## هفتم

داروهای خاص برای خنثی یا کم اثر کردن تأثیرات تسلیحات کشتار جمعی به عنوان زره یا ضد سلاح مورد توجه قرار گرفته‌اند.

سیستم پدافندی و دفاعی در مقابل حمله موشکی دشمن و خنثی سازی آنکه معروف به "جنگ ستارگان" شده است، در نتیجه ابداعات و اختراعات جوامع توسعه یافته صنعتی است.

## تکامل ابزار تولید و گسترش تسلیحات

با تغییر و تحولات سیاسی - اقتصادی، علل و اهداف به وقوع پیوستن جنگ‌ها تغییر می‌کنند و فنون و ابزارآلات جنگی هم به موازات تغییرات در مناسبات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی دگرگون شده‌اند. از انقلاب صنعتی تا امروز شاهد جنگ‌هایی بوده‌ایم که جامعه در وضعیت کشاورزی به همراه فعالیت‌های صنایع دستی و ابزارمندی بوده است و جنگ‌های قرن 19 را در اروپا می‌توان مثال زد. در دوره بعدی کشاورزی مکانیزه و پیشرفت صنعتی حاصل شده بود و جنگ‌های بزرگ اول و دوم جهانی را در این مقطع زمانی قرار داد و بعد از جنگ جهانی دوم صنایع پیشرفته‌تر و فن‌آوری جدید، باعث توسعه و تکثیر سلاح‌های میکروبی، اتمی و شیمیایی شد.

الوین تافلر و هایدی تافلر موج‌های سه‌گانه جنگ را بررسی کرده‌اند (تافلر، الوین و تافلر، هایدی، 1372: 40). موج اول مربوط به جنگ‌هایی است که مردم از نظر شیوه معیشت کشاورز بودند. جوامعی که در موج اول قرار داشتند بر سرکشاورزی می‌جنگیدند و از اقتصاد زراعی برخوردار بودند و بالتبع جنگ‌ها از نظر سازماندهی، ارتباطات لجستیک، نظامی اداری، نظام پاداش، شیوه‌های فرماندهی و حتی بافت فرهنگی متأثر از همان روابط اقتصادی زراعی بودند.

جنگ‌های مربوط به موج دوم در جوامعی مشاهده شدند که صنعت شیوه زندگی میلیون‌ها نفر را تغییر داده و جنگ منعکس‌کننده تحولات در کار و سرمایه بود. همان طوری که در جامعه صنعتی تولید انبوه است، تلفات در جنگ‌ها هم در عصر صنعت، زیاد و انبوه است. در

آغاز دوره صنعت مسلح کردن همگانی و خدمت نظام وظیفه شکل جنگ را از شکل انفرادی و درگیری حکام و سلاطین خارج کرد و جنگ بیشتر درگیری بین دو ملت تلقی شد. تسلیحات انفرادی مانند تپانچه و هفت تیر و . . . برای سربازان تخصیص یافت. ارتش‌ها دیگر مانند دوره ما قبل صنعتی زیر نظر اشراف‌زادگان و متشکل از تعدادی افراد مزدور نبود، بلکه ارتش‌ها تبدیل به ارتش‌های منظم با تقسیم کار اجتماعی تخصصی بر مبنای اکتساب شدند و طی نمودن دوره‌های تخصصی در اکادمی‌های نظامی شرط احراز نقش‌های متفاوت در نهاد ارتش گردید. رشد دیوان سالاری و عقلانیت رو به گسترش نهاد و مشروعیت عقلانی اساس واگذاری نقش‌ها و مناصب در درون نهاد ارتش شد.

جنگ‌های موج دوم توأم با خسارات جانی و مالی فراوانی در تاریخ به ثبت رسیده‌اند. بسیاری از کشورهای صنعتی مانند آمریکا در حین جنگ دوم جهانی برای پیروزی تمام قوای خود را بسیج نمودند. برای مثال آمریکا با 15 میلیون سرباز، 6 میلیون تفنگ و مسلسل، 300 هزار نفر در هواپیمای جنگی و صد هزار تانک و خود روی زرهی و 41 میلیارد دلار مهمات تولید کرد. قبل از استفاده از بمب اتم، در تاریخ 9 مارس 1495، شهر توکیو مورد حمله 334 بمب افکن قرار گرفت که در اثر آن 267171 ساختمان خراب و 84 هزار غیر نظامی کشته و 40 هزار نفر زخمی شدند و 26 کیلومتر از شهر با خاک یکسان شد (همان، 51-50).

جنگ‌های موج سوم و شیوه آن‌ها بستگی به ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه پیش‌رفته صنعتی دارد. به تعبیری دیگر، جنگ‌های موج سوم متکی بر دانایی است. جنگ‌هایی که از ابزارآلات الکترونیکی و کامپیوتری استفاده می‌کنند. "اطلاعات و نوآوری، مدیریت، فرهنگ و فرهنگ عامه، تکنولوژی پیش‌رفته، نرم‌افزار، آموزش و پرورش، بازآموزی، مراقبت پزشکی، خدمات مالی و سایر خدمات - همه این‌ها محصولاتی است که کشورهای موج سومی به جهان می‌فروشند." (تافلر، الوین و تافلر، هایدی، 1375: 45).

اگر ویژگی دوره موج سوم دانایی و توانایی علمی باشد. این توانایی خودجوش نیست و عامل به وجود آورنده آن نیروی انسانی است. این سؤال در ارتباط با انواع موج‌هایی که تافلرها

## هفتم

ترسیم نموده‌اند، مطرح می‌شود که دانایی و توانایی در دوره‌های موج اول و دوم وجود نداشته است؟

یقیناً جواب آری است. انسان در هر مقطع، حدی از دانایی و توانایی را دارا بوده است، منتهی درجه توانایی و دانایی انسان‌ها در موج سوم بیشتر از موج اول و دوم است.

توانایی و دانایی عصر حاکمیت رایانه، محاسبات دقیق الکترونیکی را فراهم نموده و همین برگ برنده جوامع صنعتی در درگیری‌ها و جنگ‌ها می‌باشد، که مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای مثال جنگ خلیج فارس در سال 1991 (تصرف کویت توسط صدام) که در نهایت منجر به شکست صدام با ارتش با امکانات جامعه موج دوم شد و آمریکا و متحدانش با ویژگی‌های جامعه موج سوم در جنگ به پیروزی رسیدند. جامعه صنعتی موج سوم کشورها را به یک رقابت بی‌انتهای تولید تسلیحات مخرب و کشتار جمعی سوق داده است. بعضی از جامعه‌شناسان کلاسیک چون اگوست کنت، سن سیمون<sup>1</sup> و هربرت اسپنسر<sup>2</sup> بر این باور بودند که با صنعتی شدن جامعه جنگ از بین خواهد رفت (بوتول، گاستون، 1368: 22 و فرانس کرینیک، 1387: 29). خوش‌بینی و سهل‌اندیشی این اندیشمندان احتمالاً به علت در نظر نگرفتن ویژگی و مکانیسم قدرت سیاسی بوده است، به علاوه مقایسه جامعه دوره ما قبل صنعتی که بیشتر دارای ویژگی نظامی و براساس اجبار شکل گرفته بود با جامعه صنعتی که روابط انسان‌ها براساس آزادی و همکاری استوار است، علت خوش‌بینی و آینده‌نگری بی‌اعتبار و پوچ صاحب‌نظران فوق بوده است.

بعد از جنگ جهانی دوم قدرت‌های صنعتی با بینش اقتصادی و هم‌ایدئولوژی‌های متفاوت سیاسی حاکم بر دولت‌های صنعتی، استراتژی خود را ترسیم کردند.

---

1- Saint – Simon

2- Herbert Spencer

### جوامع توسعه یافته و توسعه نیافته، جوامع صادراتی و وارداتی

کشورهای صنعتی بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان تسلیحات می‌باشند. دو قطب صنعتی با نظام‌های سیاسی اقتصادی متفاوت در گذشته یعنی کشورهای سرمایه‌داری در رأس آمریکا و شوروی در قبل و بعد از فروپاشی نظام، روسیه بزرگ‌ترین صادرکنندگان اسلحه بوده‌اند. حجم تجارت اسلحه هم از نظر کمی افزایش یافته و هم در بعد کیفی تعبیراتی سریع و پیچیده در آن‌ها ملاحظه شده است. بین سال‌های 81-1979 بزرگ‌ترین صادرکنندگان اسلحه سنگین عبارت بودند از شوروی 36/5٪، آمریکا 33/6٪، آلمان غربی 3٪ و ایتالیا 4/3٪ کشورهای جهان سوم 2/4٪ و بقیه کشورها 6/9٪.

صادرات بیشتر روانه کشورهای در حال توسعه و یا توسعه‌نیافته شده است.

کشورهای خاورمیانه با 27/3٪، شمال افریقا 9/2٪، آسیا دور 8/3٪، آمریکای جنوبی و جنوب شرقی آسیا با 6/2٪، جنوب آسیا 4/9٪ جنوب افریقا و صحرا 4/8٪، آمریکای مرکزی 1/5٪ و کشورهای صنعتی با 37/8٪ (ما بین کشورهای صنعتی (دووه، فرای‌موت، 1983: 181).

صادرات و فروش تسلیحات برای کشورهای صنعتی مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی این کشورها را تشکیل می‌دهد. طرح اس.دی.ای یا ابتکار دفاع استراتژیک<sup>1</sup> که در سال 1983 توسط ریاست جمهوری آمریکا ریگان<sup>2</sup> پیشنهاد شد. در فاصله سال‌های 1985 تا 1990 بالغ بر 32012 میلیون دلار بودجه تحقیقاتی را به خود اختصاص داد. (ثقفی عامری، ناصر، 1370: 50).

صادرات اسلحه برنامه‌های نظامی صادرکنندگان را در اقصی نقاط استراتژیک دنیا تأمین می‌کند. بیشتر تحت عنوان "کمک‌های توسعه" و کم‌تر از زمان استعمار کهن متوسل به خشونت و زور می‌شوند. با کارکردهای اقتصادی صادرات تسلیحات وابستگی به دنیای

1- Strategic Defence Initiative

2- Regan

## هفتم

سرمایه‌داری بیشتر شده و کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا بدین طریق می‌تواند رقبای خود را مانند شوروی در گذشته تضعیف سازد. برای کشوری چون فرانسه هم بخش تسلیحات نظامی به عنوان ستون اصلی صادرات محسوب می‌شود. در بین سال‌های 73-1964 کشور شوروی هم به حداقل 32 کشور توسعه‌یافته و یا در حال توسعه اسلحه صادر می‌کرده است. 1/3٪ صادرات اسلحه شوروی به کشورهای عضو پیمان ورشو صادر می‌شد. بیشتر از نیمی از صادرات به کشورهای چین، مصر، ویتنام شمالی، هند، کوبا، کره شمالی، ایران و تا اندازه‌ای به اندونزی، عراق، سوریه و انگولا روانه می‌شد و کشور آمریکا صادرات به 70 کشور توسعه‌نیافته و در حال توسعه داشته است (اولریش آلبرشت، دیترا رنست، 1976: 12).

در نتیجه می‌توان گفت که سود حاصل از این تولیدات تسلیحاتی در جامعه صنعتی نصیب صاحبان سرمایه می‌شود، علاوه بر اینکه سیاست‌گذاری اقتصادی در داخل و خارج این کشورها در جهت تأمین منافع اقلیت صاحب سرمایه انجام می‌شود و اکثر جمعیت این کشورها در مقابل گرایش و خواسته سرمایه و سرمایه‌دار، منفعل و نقش جانبی و فرعی را ایفا می‌کند.

## پیشرفت علوم در خدمت ارتش

سوءاستفاده از عالمان از قدیم‌الایام توسط صاحبان قدرت بنا به میلی باطنی یا علی‌رغم میل باطنی صورت گرفته است. شاخه‌های مختلف علوم به شکل گسترده و عمیق امروزی در ایام گذشته وجود نداشته است و در آن دوره هنوز، تسلیحات به شکل پیچیده امروزی اش تولید نشده بودند..

معمولاً از پیشرفت مادی و توسعه تولید، قدرت سیاسی به نفع خود استفاده می‌کند. اختراعات تنها انگیزه نظامی نداشته‌اند ولی غالباً به نفع اهداف نظامی استفاده می‌شوند. بسیاری از تولیدات کاربرد نظامی و غیر نظامی دارند. طرح‌های تحقیقات در رشته‌های مختلف علوم تجربی و انسانی با انگیزه محض علمی و بدون در نظر گرفتن کاربرد نظامی و یا داشتن کار فرمای نظامی انجام می‌شوند، ولی در این اثناء امکان بهره‌گیری ارتش و دولت از این طرح‌ها



بسیار می‌باشد، خیلی از طرح‌های تحقیقاتی به سفارش و کارفرمایی وزارت دفاع کشورها به اتمام می‌رسند.

باب تامسون معادن بخش ایستگاه‌های فضایی در شرکت "مک دانل دوگلاس" در مورد تأثیرات برنامه‌های پژوهشی نظامی بر تکنولوژی معتقد است که:

"هر گونه تحقیقات عمده و یا برنامه‌های تولیدی که نیاز به تمرکز صنایع دارد، موجب خواهد شد که تکنولوژی در برخی از زمینه‌ها توسعه یابد" (ثقفی عامری، ناصر، 1370: 113) و عملاً تحقیقات پژوهشی دانشگاه‌ها در امریکا در ارتباط با طرح اس.دی.ای تحت نظارت و مشاوره با اداره اختراعات علمی و تکنولوژی سازمان اس.دی.ای انجام می‌شود (همان). در هر دو حالت چه با انگیزه نظامی یا غیر نظامی دولت‌ها برای تقویت و تحکیم و ثبات قدرت سیاسی و بنیه نظامی بدون تردید از این نتایج پژوهشی استفاده می‌کنند و غالباً این نتایج مورد سوءاستفاده واقع می‌شوند.

اهمیت دادن به تکنولوژی بیش از حد، نباید سایر عوامل مؤثر در طرح‌های استراتژیک مانند رفتار اجتماعی انسان‌ها به فراموشی سپرده شود، که انسان در عین پرخاشگری نیاز شدید روانی به آرامش و صلح دارد. متأسفانه پیشرفت تکنولوژی نظامی جدید سیستم‌ها و ابزارهای خودکار در صحنه نبرد "بی‌نیاز از حضور انسان" می‌باشند، مانند موشک‌های کروز، موشک‌های ضد تانک هدایت شونده و یا هشدار دهنده‌های خودکار، بی‌نیاز از حضور انسان، به معنی اعمال خشونت و تخریب بدون حد و مرز توسط ماشین‌آلات و ابزار جنگی بی‌عقل که توسط رایانه‌ها کنترل می‌شوند و اقدام به حمله و دفاع می‌کنند و اتومات کارکردن آن‌ها، به معنی کاهش دخالت انسان در جلوگیری از تخریب و خونریزی است.

ارتش‌ها اولین مصرف کننده داده‌های علمی و نتایج تحقیقات رشته‌های مختلف علوم می‌باشند. هیچ نهادی در جامعه مانند نهاد ارتش از دسته و رشته‌های مختلف تشکیل نشده است که پرسنل در هر دسته و رشته تخصص علمی خاص نداشته باشد.

## هفتم

علاوه بر اینکه ابزارآلات مورد استفاده در هر دسته نتیجه تلاش‌های علمی شاخه‌های مختلف علم می‌باشد. امروزه در جامعه صنعتی در بخش‌های مختلف تولید اعم از کشاورزی، صنعتی و حتی خدمات، استفاده از رایانه در برنامه‌ریزی و کسب اطلاعات مهم‌ترین ابزار و تبدیل به یک وسیله ضروری و حیاتی شده است و اکثر کارگران و کارمندان که با آن کار می‌کنند، دیگر کارگر یدی یا پرولتاریا<sup>۱</sup> نیستند، زیرا کارگران یدی که بازور بازو کار می‌کنند، روز به روز کمتر می‌شوند، در عوض کارگران فکری، کوگنیتاریا<sup>۲</sup> که با قوه ادراک و از تخصص و آموزش برخوردار هستند، بیشتر می‌شوند. در جامعه پیش‌رفته صنعتی دانایی و علم و عالم مهم‌ترین منبع قدرت و ثروت محسوب می‌شوند. این دانایی به قول تافلرها می‌تواند خطرناک‌ترین چیزها باشد "مثل ششلول" در غرب وحشی، قادر است برقرار کننده بزرگ مساوات<sup>۳</sup> از کار درآید. اما شاید با مساوات یا دموکراسی - ختم نشود. چنان‌که خواهیم دید در عوض می‌تواند به رادیواکتیویته ختم شود (الوین، تافلر و تافلر، هایدی، 1372: 268).

دانیان و صاحبان علم، مولد انواع تسلیحات مخرب و کشتار جمعی بوده‌اند و از بعد اخلاقی این سؤال مطرح می‌شود که آیا دانشمندان گناهکار و مقصراند؟ اگر این طور است، حال همین صاحبان دانش چگونه می‌توانند که خطر تسلیحات کشتار جمعی را برطرف سازند؟ لرد زوکرمن<sup>۴</sup> گناه این کار را برگردن اصحاب فن و دانشمندان می‌اندازد، نتیجه کار این دانشمندان منجر به ساخت دنیایی غیر عقلانی شده است و واقعیت‌های سیاسی جدیدی را فراهم نموده‌اند و این صاحبان فن مانند کیمیاگرایی هستند که فعالیت محرمانه داشته و به دور ما قالب‌های جادوگونه‌ای کشیده‌اند (رابینسون، جان، کالدور، مری و دیگران، 1368: 142).

1- Proletariat

2- Gognitariat

3- Great Equalizer

4- Lord Zuckerman

گسترش تسلیحات کشتار جمعی باعث خروج کنترل نسبی آن از دست رهبران سیاسی شده است و بیشتر اختیار این تسلیحات در دست صاحبان دانش و تکنولوژی است. در حدود دو دهه قبل در سطح جهان حدود 500 هزار دانشمند، روی طرح‌های نظامی کار می‌کردند. در آمریکا 75٪ از تمام طرح‌های پژوهشی و تولیدی دولتی و یک‌سوم از کل این طرح‌ها به صنایع نظامی مربوط می‌شود. در انگلستان حدود 50٪ از طرح‌های پژوهشی به صنایع نظامی مربوط می‌شوند. (همان، 143).

مجموعه‌های صنعت نظامی که از سازماندهی دقیقی برخوردار هستند، نتیجه همکاری دانشگاه‌ها، ادارات، ارتش و بخش صنعت بوده است.

تنویر و تجهیز افکار عمومی در قبال متوقف ساختن تسلیحات کشتار جمعی می‌تواند صاحبان قدرت سیاسی را در تنگنا قرار دهد و حتی از قدرت ساقط کند. تبلیغات روان‌شناسانه دولت در آگاهی بخشیدن به خطرات ناشی از تولید تسلیحات کشتار جمعی یا در جهت عکس که از کار هنری در جهت تأیید مسابقه تسلیحاتی و تخصیص بیشتر بودجه برای تولید تسلیحات سوءاستفاده شده و افکار مردم را منحرف و خطرات تسلیحات کشتار جمعی را کتمان می‌کنند. برای مثال نقاشی از موشک‌های پیچیده و خطرناک کروز با زیرنویس "عاملی مهم در بیمه حیات غرب" مؤید اثرات کار تبلیغات منفی است (همان، 145).

جنبش‌های ضد جنگ و طالب صلح می‌توانند با استفاده از ارتباطات و رسانه‌های جمعی و هم‌چنین سازماندهی و هماهنگ کردن صاحبان دانش در دانشگاه‌ها به تنویر افکار عمومی در جهت مخالفت با تولید و آزمایش تسلیحات کشتار جمعی قدم‌های مثبتی را بردارند و بهترین پشتوانه برای جلوگیری از تولید و رقابت تسلیحاتی محسوب شوند.

**نظام‌های اقتصادی - سیاسی متفاوت منجر به پیمان‌های نظامی مختلف شده است.**

## هفتم

افرادی چون ماکس وبر، موسکا<sup>۱</sup> به تأسی از ارسطو معتقدند که در یک مجموعه حکومتی، ساختار طبقاتی جامعه و قدرت سیاسی تا اندازه زیادی متأثر از شیوه توزیع قدرت نظامی می‌باشد (می‌یر، پتبر، 71:1368).

هم در دنیای امروز صنعتی تولیدات بیشتر مصارف دوگانه پیدا کرده‌اند، یعنی بسیاری از تولیدات صنایع فلزی و غیر فلزی که در کارخانه‌های غیر نظامی تولید می‌شوند، خیلی سهل و ساده این تولیدات در مصارف نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند، بدین معنی که بسیاری از این تولیدات استراتژی نظامی را در بطن خود پنهان کرده‌اند.

در کشورهای صنعتی و ثروتمند دو نهاد اقتصاد و جنگ شدیداً به هم پیوند خورده‌اند و اقتصاد صنعتی با پیشرفت چشم‌گیر خود توسعه نظامی‌گری و خطرات ناشی از آن را فراهم کرده است.

در مقابل جوامعی با ساختار اقتصادی توسعه نیافته و در حال توسعه که از عقب‌ماندگی اقتصادی رنج می‌برند، نمی‌توانند پیشرفت نظامی داشته باشند، به گفته تافلرها: "هر تحولی در شیوه جنگیدن ملازم تحولی هم‌زمان در شیوه تولید ثروت است." (تافلر، الوین و تافلر، هایدی، 16:1372).

کشورهای سرمایه‌داری صنعتی با ساختار اقتصادی - سیاسی خاص خود زمینه پیدایش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را فراهم کردند.

زمینه پیدایش این سازمان به پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه بر می‌گردد. با استقرار و ثبات نظام سوسیالیسم در روسیه، کشورهای غربی در پی مبارزه و سرنگونی این نظام برآمدند. پیدایش دو نظام سیاسی - اقتصادی مختلف و رقیب در چالش‌ها و جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای و در روابط بین‌المللی تاثیر گذار بوده‌اند.

انگلیسی‌ها در کنفرانس صلح پاریس صحبت از تئوری نوار بهداشتی کردند که باید جلوگیری از اشاعه میکروب کمونیسم به سایر نقاط جهان کند و بعد از سی سال آمریکا با همین تئوری زمینه تشکیل پیمان نظامی را با هم‌پیمانان غربی فراهم کرد. در جنگ جهانی دوم آمریکا در مقایسه با دیگر کشورهای متفق، خاکش از آسیب و تخریب در امان مانده بود و با توجه به بنیه نظامی، اقتصادی و تکنولوژی، تبدیل به یک قدرت بلامنازع در دنیا گردید.

شوروی هم با توجه به خسارات مادی و جانی در حد بیست میلیون نفر، پیروز از جنگ بیرون آمد، از نظر تکنولوژی و قدرت اقتصادی در حد آمریکا نبود، ولی از نظر نظامی رقیب حساب می‌آمد، درحین جنگ دوم جهانی، شوروی و آمریکا با ایدئولوژی‌های متفاوت سیاسی متفقاً علیه آلمان نازی و ایده فاشیسم به مبارزه و جنگ پرداختند، ولی بعد از جنگ اختلافات ایدئولوژی، دو نظام متفاوت سوسیالیسم و کاپیتالیسم را بیشتر در مقابل هم قرار داد. کشورهای اروپای غربی به علت خسارات شدید جنگ در وضع اسفباری به سر می‌بردند و آمریکا برای حفظ نظام‌های سیاسی و احیای اقتصاد این کشورها اقدام به ارایه و اجرای طرح مارشال کرد. در تاریخ 12 مارس 1947 ترومن رییس جمهور آمریکا سیاست خارجی آمریکا را از حالت انزوا خارج کرد و با پیام خود به طور صریح و واضح سلطه همه جانبه آمریکا را در خارج از مرزها عنوان نمود:

"حمایت از ملل آزادی که برابر فشار خارجی مقاومت می‌کنند، می‌بایست با ریاست ایالات متحده آمریکا باشد." (افتخاری، 1963:137).

قبل از انعقاد پیمان آتلانتیک شمالی، پیمان نظامی بروکسل بین پنج کشور اروپایی انگلستان، بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ و هلند منعقد شد که در صورت لزوم، این پنج کشور به کمک یکدیگر به شتابند. در چهارم آوریل 1949 پیمانی در شهر واشنگتن به امضاء نمایندگان دولت‌های بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، انگلستان، ایسلند، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال

## هفتم

و آمریکا رسید، این پیمان اولین قرارداد نظامی بود که پس از جنگ جهانی دوم به امضاء رسید. البته بعداً ترکیه و یونان و آلمان به این پیمان پیوستند.

پیمان ناتو دارای تشکیلات و زیرشاخه‌های متعددی است. من جمله شورای آتلانتیک شمالی، کمیته برنامه‌ریزی دفاعی، کمیته‌های وابسته به شورا، کمیته امور مربوط به دفاع هسته‌ای، گروه برنامه‌ریزی هسته‌ای، دبیرخانه بین‌المللی، سازمان‌های وابسته به دبیرخانه بین‌المللی، قابل ذکر است که شکل گرفتن پیمان ناتو بدون توجه به مسائل و موارد اقتصادی بی‌معنی است.

بعد از جنگ جهانی دوم وضعیت اقتصادی کشورهای اروپایی ضعیف و دیگر قادر به نگهداری و حفظ مستعمرات خود در اقصی‌نقاط جهان نبودند، بدین دلیل دو نظریه برای حل این مسأله ارایه شد.

**الف)** کمک گرفتن از آمریکا و واگذاری بخشی از این مستعمرات به این قدرت جهانی که مورد تأیید انگلستان بود.

**ب)** یک‌پارچه کردن اروپا برای ایجاد یک قدرت بزرگ اقتصادی در جهان که مورد توجه فرانسه بود.

اروپاییان در ابتداء نظریه اول را پذیرفتند و به مدت ده سال متکی به قدرت آمریکا شدند، ولی بعد از این مرحله اتکاء به خود در کشورهای اروپایی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و زمینه ایجاد بازار مشترک اروپا به وجود آمد. بنیان‌گذاران بازار مشترک اقتصادی اروپا شش کشور بودند و اعضاء این بازار هر دهه بیشتر شدند تا امروز که بیست و پنج کشور اعضاء بازار مشترک را تشکیل می‌دهند. این بازار حجم عظیم بازرگانی جهان را به خود تخصیص می‌دهد، به طوری که اعتراض کشورهای توسعه نیافته را برانگیخته است. طرف‌های اقتصادی بازار مشترک سه دسته بودند.

**الف)** اعضاء اصلی که کشورهای اروپایی عضو بودند.

**ب)** اعضاء وابسته

## ج) بیگانگان

اعضاء وابسته بیشتر کشورهای جهان سوم و مستعمرات کشورهای اروپایی بودند و قلب سیاست بازار مشترک را عضویت و سیاست در مورد اعضاء وابسته تشکیل می‌دهد.

اختلاف اعضاء اصلی بازار مشترک در مورد عضوگیری و تقسیم منافع و نفوذ خود در مستعمرات سابق نهایتاً منجر به این شد که نظریه فرانسه در مورد عضویت وابسته مستعمرات در بازار مشترک پذیرفته شود و هیجده مستعمره فرانسه را در بر گرفت و در مقابل فرانسه به سایر اعضاء اصلی اجازه داد که کالاهای خود را بدون عوارض مالیاتی به این مستعمرات صادر کنند، یعنی یک توافق نظری و عملی در فروش کالاهای خود و افزایش حجم صادرات به کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه در بین اعضاء اصلی بازار مشترک صورت گرفت. به همین دلیل بازار مشترک معروف به میراث خوار استعمار گردید و جایگزین استعمار کهن کشورهای اروپایی شد. حفظ و حمایت از منافع کشورهای اروپایی باعث ثبات و برقراری صلح از طریق برنامه‌ریزی صلح اقتصادی گردید. به تعبیری دیگر، اگر جنگ‌های بزرگ در اروپا به‌ویژه جنگ اول و دوم جهانی به خاطر اختلاف بر سر منافع اقتصادی به‌وقوع پیوسته بود، پس تأسیس بازار مشترک اروپا عامل بازدارنده جنگ و تأمین‌کننده منافع اقتصادی اعضاء اصلی بازار مشترک اروپا ایفای نقش کرده است. در عین حال گسترش شرکت‌های چند ملیتی و حد و مرز نداشتن سرمایه نیاز به داشتن اهرم نظامی و پشتیبانی از این منافع اقتصادی مشترک کشورها، ضرورت ایجاد و تأسیس پیمان نظامی آتلانتیک شمالی (ناتو) را در جهان سرمایه‌داری فراهم کرد. قابل توجه است که کشوری مانند ترکیه که مشکلات شدید اقتصادی دارد، بعد از آمریکا بزرگ‌ترین سهم نیروی نظامی را در پیمان نظامی ناتو داراست و به مهم‌ترین مدافع منافع کشورهای بازار مشترک اروپا و آمریکا تبدیل گردیده است. (بزری، عقیف، 1368:131).

در مقابل پیمان نظامی ناتو، کشورهای بلوک شرق پیمان نظامی ورشو را تشکیل دادند. زمینه تاریخی تشکیل پیمان ورشو به بعد از انقلاب اکتبر در روسیه برمی‌گردد. از دیدگاه لنین

## هفتم

امکان وقوع انقلاب به آن سبکی که مارکس پیشنهاد کرده بود، در کشورهای صنعتی غیر ممکن بود، زیرا کشورهای صنعتی با داشتن مستعمرات و غارت این کشورها، زمینه انباشت سود را بیشتر فراهم کرده و بخشی از این سود را در جهت جلب رضایت کارگران در جامعه صنعتی خرج می‌کنند و بدین وسیله روحیه مبارزاتی آنان را خنثی و منفعل می‌کنند. پس تنها راه انقلاب تقویت جنگ‌های ضد امپریالیستی در کشورهای توسعه‌نیافته و مستعمره است که همراه نظریه نبرد طبقاتی زمینه انقلاب را فراهم خواهد کرد (افتخاری، 148:1363).

گسترش اندیشه سوسیالیسم در کشورهای توسعه‌نیافته و پیوستن به اردوگاه سوسیالیسم یعنی شوروی، حساسیت کشورهای سرمایه‌داری را برانگیخت و مبارزه همه‌جانبه‌ای را علیه شوروی و اندیشه سوسیالیسم براه انداختند. جنگ جهانی دوم منجر به پیشروی شوروی در اروپای شرقی و جنگ زمانی خاتمه یافت که ارتش سرخ شوروی به برلین رسید. متفقین غربی ( آمریکا، انگلیس، فرانسه) در بخش غربی آلمان مستقر شدند، و بالاخره با کمک یک‌دیگر حکومت فدرال تشکیل دادند و بخش شرقی آن‌هم در سیطره شوروی افتاد. در سال 1955 آلمان فدرال غربی به عضویت پیمان ناتو درآمد و همین موضوع مهم‌ترین علتی بود که شوروی‌ها را وادار به عمل متقابل و ایجاد پیمان نظامی ورشو کرد. در 12 ماه مه 1955 پیمان ورشو به امضاء امضاء رسید و کشور چین به عنوان ناظر حضور داشت، اعضا اصلی پیمان عبارتند از: شوروی، بلغارستان، چکسلواکی، جمهوری دموکراتیک آلمان، مجارستان، لهستان، رومانی و آلبانی که در سال 1968 از پیمان به طور رسمی خارج شد.

پیمان ورشو دارای تشکیلات سازمانی ذیل بود، کمیته مشورتی سیاسی، کمیته وزرای دفاع شورای نظامی، کمیته فنی نیروهای مشترک، کمیته وزرای خارجه، دبیرخانه مشترک فرمانده مشترک نیروی نظامی.

قابل ذکر است که آمار دقیق توانایی‌های نظامی جزء اسرار محرمانه هر پیمان و هر کشور می‌باشد. کشورهای سوسیالیستی برای دفاع از منافع اقتصادی خود علاوه بر اهرم نظامی یعنی



تشکیلات پیمان ورشو، اقدام به تأسیس شورایی کردند که منافع اقتصادی و روابط بازرگانی کشورهای عضو را هماهنگ می‌ساخت.

این شورا در مقابل طرح مارشال و بازار مشترک اروپای غربی به وجود آمد.

در 25 فوریه 1949، شوروی، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، رومانی، بلغارستان "شورای همیاری‌های متقابل اقتصادی" یا کمکون<sup>1</sup> را تشکیل دادند.

آلبانی در سال 1961 از عضویت در این شورای اقتصادی مانند پیمان نظامی کناره‌گیری کرد. آلمان شرقی از سال 1950، مغولستان 1962 و کوبا از سال 1972 به عضویت کمکون درآمدند. یوگسلاوی از سال 1965 عضو وابسته این شورا گردید. با مقایسه دو پیمان بزرگ نظامی یعنی ناتو و ورشو به این نتیجه می‌رسیم که کشورهای صنعتی برای حفظ منافع اقتصادی و قدرت سیاسی اقدام به گسترش کمی و کیفی تولید تسلیحات، طرح‌های نظامی و افزایش بودجه نظامی کرده‌اند. کشورهای بزرگ صنعتی با ایدئولوژی‌ها و نظام‌های متفاوت سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم به این نتیجه رسیدند که به تنهایی قادر به حفاظت از منافع کشور خود نیستند و هم پیمانی نظامی و اقتصادی با کشورهای هم مرام خود زمینه تقویت و برتری را در جهان و از میدان بدر بردن رقیب فراهم خواهد کرد. تلاش و فعالیت نظامی و اقتصادی اعضاء پیمان ورشو، در پوشش دفاع از سوسیالیسم و طبقات زحمتکش و همبستگی پرولتاریای جهان عنوان شد.

در پیمان ناتو تمام فعالیت‌های نظامی و اقتصادی ظاهراً برای دفاع از مردم‌سالاری و آزادی ذکر شده است. بعد از فروپاشی نظام سوسیالیسم در شوروی و کشورهای بلوک شرق زمینه انحلال پیمان نظامی ورشو فراهم شد و بسیاری از کشورهای عضو پیمان ورشو و کمکون به عضویت بازار مشترک اقتصادی اروپا درآمدند. ولی آنچه که از نظام سوسیالیسم در روسیه باقی مانده است، قدرت تسلیحاتی و نظامی این کشور است که عملاً به عنوان رقیب کشورهای غربی و آمریکا، تولید تسلیحات و صدور آن افزایش داده است. علت این امر را در

## هفتم

ساختار صنعتی جامعه روسیه باید جستجو کرد و نتیجه‌گیری می‌شود که در طول تاریخ، تکامل ابزار تولید به‌مراه تولید تسلیحات جدید و کامل‌تر بوده است.

کشورهای غربی اعضاء پیمان ناتو باور و اعتقاد به دموکراسی را انگیزه برانگیختن جنگ‌ها و به اصطلاح به دفاع از آن برخاسته‌اند و اعضاء پیمان نظامی ورشو سابق حمایت از حقوق کارگران را انگیزه و محرک دفاعی مطرح کرده بودند، که محرک‌های دفاعی در هر دو پیمان نظامی ریشه در باورها و نظام ارزشی این جوامع داشت. اساساً برای هر دولتی امنیت ملی یک اصل کلی است و به خاطر همین امنیت اقدام به تولید تسلیحات کشتار جمعی نموده‌اند. مجموعه‌های صنعتی - نظامی گسترش یافته و موضوع تأمین امنیت را مورد سؤال قرار می‌دهد. استراتژی دفاعی توسعه تسلیحات براساس اندیشه ترس و وحشت از نظام مخالف در سیاست بین‌المللی شکل گرفت.

در نظام اقتصادی سیاسی جامعه سرمایه‌داری صنعتی با تمایلات سلطه‌طلبانه، تخصیص بودجه نظامی به عنوان عامل اساسی هدایت و ثبات این جامعه محسوب می‌شود. به همین دلیل تمایلی برای کاهش تولیدات تسلیحاتی و تنش‌زدایی نداشته‌اند. در بطن نظام اقتصادی سرمایه‌داری، تسلیحات به عنوان ضامن ثبات و پشتیبانی از این نظام پذیرفته شده است. متأسفانه گسترش و پیچیده‌تر شدن تسلیحات کشتار جمعی و آزمایشات متعدد سلاح‌های اتمی، میکروبی و شیمیایی هم‌چنان ادامه دارد، هر چند که از ماه ژولی 1945 آزمایشات بمب اتمی در سطح بین‌المللی در هوا و دریا ممنوع اعلام شد. کسانی که این تعهدات بین‌المللی را طراحی و پذیرفته‌اند، در عین حال در عمل به رقابت تسلیحاتی ادامه می‌دهند کندی رئیس‌جمهور اسبق آمریکا می‌گفت:

"اولین قدم مهم، گامی به سوی صلح است، گامی به سوی خرد، گامی به دور از جنگ" (ویستر، یورک، ه، 1968: 199).

البته بعد از مدت کمی در همین کشور تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای مورد تردید قرار گرفت و تداوم فعالیت‌های هسته‌ای را شاهدیم. امنیت آمریکا با فن‌آوری تسلیحات هسته‌ای گره

خورده است. نه تنها آمریکا بلکه در بلوک شرق به رهبری شوروی هم امنیت ملی با توسعه فن آوری هسته‌ای پیوند خورده بود. بعد از کشف مواد منفجره تا ساخت بمب‌های اتمی، خشونت، میلیون‌ها بار بیشتر شده است. زمان اصابت و سرعت و برد تسلیحات کشتار جمعی توسط موشک‌های قاره‌پیما بیشتر شده و در عین حال فاصله نیم‌کره جنوبی به شمالی از نظر زمان شلیک تا اصابت به هدف کمتر شده است. هدف از تولید تسلیحات به‌ویژه موشک‌های از بین بردن تهدیدات و اهداف رقیب و دشمن است، که مورد توجه سیاستمداران، نظامیان و طرفداران رعایت اخلاق با مواضع متفاوت قرار گرفته است. از یک طرف منافع ملی و از سوی دیگر رعایت اخلاق با هم در تضاد قرار می‌گیرند. اهمیت به تأمین امنیت شهروندان جامعه به‌ویژه نیروهای نظامی، فکر طراحان نظامی را به خود مشغول کرده است. عملیات پیش‌دستی و غافلگیرانه باید مورد توجه قرار گیرد و نیروهای نظامی به عنوان نیروی بازدارنده در قبال اولین حمله متأثر می‌شوند و تلاش می‌کنند که مقابله به مثل و انتقام را عملی سازند. حجم و وزن و قدرت انفجار و هدف‌گیری درست درجه اطمینان موشک‌ها را بالا می‌برد. اگر هدف با یک موشک از بین برود، درجه اطمینان آن بالا می‌رود، ولی اگر برای یک هدف از موشک‌های مختلف استفاده شود درجه اطمینان پایین می‌آید، به همین دلیل آزمایشات متوالی برای بالا بردن درجه اطمینان احتیاج به هزینه زیاد دارد و این مخارج را یک جامعه فقیر نمی‌تواند تحمل کند و توان اجرای این پروژه‌ها را کشورهای ثروتمند صنعتی دارا هستند.

### خلع سلاح و کنترل تسلیحات

جنگ و صلح دو روی یک سکه‌اند و اگر به دلایل مختلف جنگ در طول تاریخ استناد کنیم، متوجه می‌شویم اگر دلایل و عوامل جنگ حذف و از زندگی جمعی کنار گذاشته شوند، صلح برقرار خواهد شد.

برای مثال، جنگ می‌تواند علل اقتصادی، سیاسی، جمعیتی، روانی، حقوقی و فرهنگی داشته باشد و اگر دلایل فوق تجزیه و تحلیل و از جوانب مختلف بررسی شوند، به راه‌کارهای عملی صلح نزدیک‌تر می‌شویم، در علت اقتصادی جنگ که به اختلافات اقتصادی شیوه‌های

## هفتم

مختلف تولید و تکامل ابزار تولید و تسلیحات می‌پردازند، بحث خلع سلاح هم به نوعی در این مقوله مستتر است، زیرا جنگ‌ها با اسلحه‌های بسیار ابتدایی تا پیچیده امروزی به وقوع پیوسته‌اند که در فرآیند تولید ساخته و پرداخته می‌شوند. به علت نتایج مخرب و وحشتناک جنگ‌ها در طول تاریخ شاهد کنترل و خلع سلاح به اشکال مختلف بوده‌ایم برای مثال:

به قول ادوارد هارپر<sup>۱</sup> در 546 سال قبل از میلاد کنفرانس خلع سلاح در چین برگزار شد که گزارش آن بعد، توسط فردی از شاگردان کنفوسیوس تهیه شد و به جنگی که هفتاد و دو سال بین دو ایالت چین جاری بود، خاتمه داد. (افتخاری، 1363: 362).

در قرن هفتم پاپ کاربرد تیر و کمان را منع کرد و شورای لاتران<sup>۲</sup> کلیسا استفاده از منجنیق را ممنوع کرد (بوتول، گاستون، 1368: 121).

خلع سلاح به معنی کم کردن یا نابودی تسلیحات که از یک طرف یا چند جانبه در سطح منطقه‌ای یا جهان به طور کلی یا جزئی و کنترل شده یا نشده باشد، می‌باشد. از طرفی کنترل تسلیحات عبارت است از خویشتن‌داری در سطح بین‌المللی در مورد سیاست‌های تسلیحاتی، چه از نظر میزان تولید، کیفیت تسلیحات، آرایش و کاربرد آن‌ها. دو اصطلاح "کنترل تسلیحات" و "خلع سلاح" با هم متناوب به کار گرفته می‌شود که گمان می‌رود یک معنی را می‌رساند، در صورتیکه دارای دو معنی جداگانه می‌باشند. خلع سلاح همیشه به معنی کاهش است ولی کنترل سلاح می‌تواند افزایش را در سطح تسلیحات داشته باشد و توأم با خویشتن‌داری بین‌المللی است، در بحث کنترل تسلیحات، بیشتر در مورد تعداد، کیفیت و آرایش تسلیحات به بحث می‌پردازند ولی در مورد خلع سلاح طرفداران صلح از بعد اخلاقی و انسانی آن را مطرح می‌کنند که در صورت استفاده از تسلیحات کشتار جمعی کره زمین به نابودی کشیده می‌شود.

---

1- Edward Harper

2- Latran

تعدادی به مهار و کنترل ارتش‌ها باور دارند که اساساً ارتش‌ها فزاینده وحشت و بدبینی می‌باشند. از سوی دیگر طرفداران خلع و کنترل سلاح بر این باورند که فشارهای اقتصادی مانند صرفه‌جویی‌هایی که دولت اعمال می‌کنند، بر وضعیت زندگی مردم تأثیر گذاشته و اکثر حقوق‌بگیران و دیگر طبقات مجبور به پرداخت مالیات می‌شوند که این مالیات‌ها صرف تولید تسلیحات مخرب شده و بهتر این است که این بودجه‌های نظامی صرف چیزهای بهتری چون بیمارستان، مدارس و غیره شود و عده‌ای هم انباشت و انبار تسلیحات را زمینه‌ساز تنش و جنگ بین‌المللی می‌دانند. منتقدان نظریه خلع سلاح درمقابل طرفداران عدم خلع سلاح بر این عقیده‌اند که تولید سلاح هر چه بیشتر و مخرب‌تر باشد، در دل دشمن و خصم ترس ایجاد کرده و پذیرش قدرت برتر، وضعیت انفعالی را برای قدرت و دولت ضعیف‌تر فراهم می‌کند. به علاوه ناتوانی نظامی در مقابل دشمن منجر به شکست می‌شود و بر این اساس بر کارکردهای مثبت تولید تسلیحات و گسترش آن تکیه می‌کنند و سلاح برای منتقدان خلع سلاح بهترین وسیله برقراری امنیت و صلح است و دفاع از ارزش‌های نظامی را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند.

از بعد اقتصادی خلع سلاح و کنترل تسلیحاتی نیازمند به هزینه هنگفت است و بحث خلع سلاح عملاً مانعی در جهت پیشرفت تکنولوژی و علوم ایجاد می‌کند و حتی منجر به بیکاری‌های انبوه خواهد شد و از نظر آن‌ها تولید تسلیحات از نظر اقتصادی مولد است و در نتیجه دنیای بدون سلاح را یک تخیل و پندار پوچ تصور می‌کنند. قراردادهای کنترل و خلع سلاح تاکنون نه نتیجه مثبتی نرسیده است و تا زمانی که انسان نتواند بر غرایز پرخاشگرانه و خشونت بار خود غلبه کند و عدم توسل به خشونت را در خودسازی و تعلیم و تربیت نفی نکند، مباحث خلع سلاح از ابعاد مختلف اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، نظامی به نتیجه‌ای قاطع و مثبت نخواهد رسید.

تاریخ‌برگزاری همایش‌ها و بستن قراردادهای خلع و کنترل تسلیحات همان‌طور که ذکر شد به گذشته‌های بسیار دور می‌رسد. ولی در دوره موج دوم که پیشرفت صنعت سرعت

## هفتم

بیشتری گرفته بود، دولت‌ها را وادار به گفت‌وگو و قبول و امضاء کردن معاهدات منع مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح کرد. از مهم‌ترین موارد می‌توان تعمیمات دادگاه لاهه در 18 ماه مه 1898 نام برد که بیست و شش دولت با صد نماینده در جهت حفظ صلح جهانی در شهر لاهه گرد آمدند که هدف کنترل تسلیحات بود که با مخالفت آلمان، این کنفرانس با شکست مواجه شد. دومین کنفرانس لاهه با پیشنهاد تئودور روزولت<sup>۱</sup> رییس‌جمهور وقت آمریکا در سال 1907 تشکیل شد. در این همایش مقررات حقوق بین‌المللی در زمان صلح و جنگ تدوین شد و این بار هم با مخالفت آلمان روبرو شد و کنترل تسلیحات و قبول حکمیت را نپذیرفت. در کنفرانس 1898 و 1907 منع استفاده از گازهای خفه‌کننده و مایعات مشابه و مشتقات آن‌ها به تصویب رسید. بعد از جنگ اول جهانی (1914-1918) بسیاری از کشورها اقدام به تأسیس جامعه ملل کردند که از نظر کارکرد عملی نقش سازنده‌ای نداشت.

در سال 1925، پروتکل ژنو کنترل تجارت تسلیحات را به تصویب رساند که در سال 1928 بعد اجرایی پیدا کرد (محمود مسائلی و عالیہ ارفع، 1371: 114).

در سال 1928 طرح صلح کلوک<sup>۲</sup> در پاریس به امضاء بسیاری از کشورها رسید که در جنگ به عنوان ابزار سیاست استفاده نکنند.

با فرار رسیدن جنگ دوم جهانی (1939-45) بحث خلع سلاح و کنترل تسلیحات مجدداً تبدیل به مسأله در روز ملت‌ها و دولت‌ها گردید. به همین دلیل در سال 1944 طرح صلح در منشور آتلانتیک ریخته شد. در سال بعد 1945، مجمع سانفرانسیسکو با 47 کشور زمینه تشکیل سازمان ملل متحد را جهت برقراری صلح و امنیت جهانی پایه‌ریزی کرد و شورای امنیت وظیفه کنترل سلاح را با طرح‌های خود به عهده گرفت و در سال 1946 سازمان ملل "کمیسیون انرژی اتمی" را به وجود آورد که هدف آن منع کاربرد تسلیحات اتمی بود. در سال 1972 کنوانسیون منع توسعه تولید و ذخیره‌سازی سلاح‌های بیولوژیک را به

---

1- Theodore Roosevelt

2- Kellog

تصویب رساند و تا سال 1985 حدود 100 عضو داشت (به غیر از اسرائیل) (همان‌جا، 114).

کنوانسیون 1981 سازمان ملل در مورد تسلیحات متعارف، کنترل و محدودیت تسلیحات را به تصویب رساند. البته در این معاهده برای متخصصان انتخاب هر اسلحه صدمه زننده، محدود نشده بود. هم‌چنین انتخاب و استفاده از وسایل و تسلیحاتی که موجب اذیت و آزار غیر لازم می‌گردد، در این معاهده ممنوع گردید. از موارد قابل ذکر دیگر این است که معاهده استفاده از تسلیحاتی که به محیط زیست با تأثیرات دراز مدت صدمه وارد کند، محدود گردید (همان).

از گفت‌وگوهای مهم کنترل تسلیحات بین دو بلوک سرمایه‌داری و سوسیالیسم که منجر به مباحث طولانی شد، بحث سالت 1 بود که در نوامبر 1969 آغاز گردید و گفت‌وگوهای سالت 2 در نوامبر 1974 در جهت کنترل سلاح‌های استراتژیک بود، ولی عملاً مذاکرات سالت 1 و 2 تأثیری بر سیاست کنترل تسلیحاتی نداشته است.

مذاکرات در جوئی بدبینانه و عدم اعتماد به یک‌دیگر برگزار شد. یکی از مشکلات این گفت‌وگوها به این علت بود که مباحث حول و حوش سلاح‌های موجود چون کروز، میرو، مارو، ام - ایکس، اس - اس 16 و 20 و غیره بود که امکان تجهیز آن‌ها به کلاهک‌های اتمی و میکروبی و شیمیایی وجود دارد. عدم اعتماد در مورد فعالیت‌های پنهانی تولید تسلیحات جدید با کاربرد و کیفیت بالاتر، زمینه بدگمانی و بی‌نتیجه ماندن مذاکرات را بین طرفین به دنبال داشت، چیزی که ریشه در روابط تولید و تکامل یافتن وسایل تولیدی دارد.

دستیابی به سلاح‌های جدید، به خاطر رقابت با امکانات تسلیحاتی دشمن، باعث تشدید مسابقه و رقابت تسلیحاتی و در نتیجه بی‌اعتمادی، بین طرفین مذاکرات سالت 1 و 2 شد. به قول بلوم فیلد<sup>1</sup> علی‌رغم مذاکرات سالت 1 و 2 در قدرت شوروی سابق و آمریکا آن‌قدر دارای سلاح هستند که می‌توانند چندین بار کره زمین را خراب کنند (افتخاری، 1363: 382).

## هفتم

توانایی‌های نظامی، حتی پس از فروپاشی شوروی در روسیه پا برجا مانده است و در کشورهای صنعتی غرب هم، از نظر کمی و کیفی افزایش چشم‌گیری داشته است.

## نتیجه‌گیری

بدون تردید مرحله‌ای از تاریخ زندگی انسان بدون جنگ و خون‌ریزی مشاهده نشده است. انسان باقوه تعقل و تفکر توانسته است بر طبیعت مسلط شود و آن را دگرگون سازد. برای تسخیر طبیعت و رفع نیازهای اساسی‌اش اقدام به ساختن ابزار کرده است. پیش‌رفت و تکامل جوامع به همراه تکامل ابزار تولید بوده است. ابزار تولید وسیله تولید و درآمد و ثروت گردید. می‌توان اذعان داشت که یکی از دلایل جنگ‌های داخلی و خارجی اختلافات اقتصادی و به خاطر منافع مادی بوده است. برای حفظ منافع مادی و همچنین برتری طلبی و تفوق بر دیگران و رفع تهدیدات داخلی و خارجی و برقراری امنیت، در خط تولید تسلیحات ساخته شده و به موازات تکامل ابزار تولید، تسلیحات هم تکمیل‌تر و به شکل وسایل کشتار جمعی امروزی درآمدند، به همان نسبت که تولید انبوه است، کشتار هم به شکل انبوه اتفاق افتاده است.

دولت‌ها برای حفظ قدرت سیاسی و تأمین امنیت داخلی و رفع تهدیدات خارجی اقدام به توسعه و گسترش نهاد نظامی کرده‌اند. ساخت نهاد نظامی با ساختار اجتماعی پیوند خورده و در هر مرحله از پیش‌رفت اقتصادی و تکامل ابزار تولید، نهاد نظامی هم به موازات دیگر نهادها به‌ویژه نهاد اقتصادی توسعه‌یافته و نوع نظامی‌گری نهاد ارتش با وضعیت ساختار اقتصادی اجتماعی متناسب بوده است.

جامعه صنعتی که دارای تقسیم کار اجتماعی پیچیده براساس تخصص و اکتساب است، نقش اجتماعی را بر مبنای تخصص توزیع می‌نماید و به همین دلیل مشروعیت احراز نقش‌های اجتماعی و مشاغل بر مبنای عقلانیت است. اداره و هدایت جامعه صنعتی با گسترش



دیوان‌سالاری<sup>۱</sup> مدرن و دقیق و منظم باعث پیشرفت و عقلانی شدن تولید و انباشت سرمایه شد. تولید انبوه در خارج از مرزها به دنبال بازار فروش، باعث جنگ‌های فراوانی بین قدرت‌های صنعتی به خاطر تصاحب بازار شد. حجم صادرات کالاهای گوناگون از نظر قیمت قابل مقایسه با صادرات تسلیحات نبوده است و به همین دلیل فروش و صدور تسلیحات باعث سودآوری، گسترش صنایع فلزی و ایجاد بازار کار در جوامع صنعتی شد، به طوری که حذف صادرات اسلحه باعث از بین رفتن میلیون‌ها مکان کار در جامعه صنعتی می‌شود. علاوه بر اینکه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به علت وابستگی به واردات از کشورهای صنعتی، روز به روز از استقلال همه جانبه آن‌ها کاسته شده و وابستگی آن‌ها به تأمین و ذخیره ارز خارجی جهت خرید کالاهای مورد نیاز به‌ویژه اسلحه افزایش یافته است.

در ابتدای قرن بیستم با وقوع انقلاب اکتبر، زمینه به‌وجود آمدن دو قطب صنعتی متفاوت از نظر نظام اقتصادی - سیاسی را شاهدیم که عملاً رقابت ایدئولوژی، اقتصادی سیاسی این دو بلوک به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید و پیمان‌های نظامی ناتو و ورشو به همراه همکاری‌های اقتصادی اعضای این دو پیمان، زمینه رقابت و تولید تسلیحات را در جهان چندین برابر کرد، به طوری که کشورهای اروپایی بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته هم‌گرایشی به این یا آن پیمان داشتند و همکاری‌های اقتصادی - سیاسی و به‌ویژه نظامی خود را با استراتژی این دو پیمان هم‌سو و هماهنگ می‌کردند. رقابت تسلیحاتی بین دو قدرت جهانی به خاطر سیطره بر جهان روزبه‌روز بر نوآوری‌های جدید تسلیحاتی افزود، به نحوی که این رقابت در هوا و فضا دریا و زمین سایه افکند.

طبعاً این همه پیشرفت علمی و صنعتی مدیون کار صاحبان اندیشه و دانشمندان این کشورها بوده است. به طوری که همین صاحبان دانش فنی نسبت به عواقب خطرناک و غیر انسانی و وحشیانه استفاده از این تسلیحات هشدار داده و دولت‌ها را جهت کنترل و خلع تسلیحات ترغیب و تشویق نموده‌اند. در عین حال مشاهده می‌کنیم با توجه به برگزاری همایش‌ها

## هفتم

و جلسات آشکار و محرمانه توسط سازمان‌ها و تشکیلات بین‌المللی و دولت‌ها و جریانات مردمی به خاطر خلع سلاح و کنترل تسلیحات و مخالفت با جنگ، نتیجه‌ای مثبت در جهت رفع پرخاشگری و خشونت و جنگ در سطح بین‌المللی و مناطقی که از نظر جغرافیای سیاسی<sup>۱</sup> حساس هستند، مشاهده نشده است و عملاً مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی نقشی در کاهش خشونت و جلوگیری از جنگ نداشته‌اند. در اینجا است که این توهم ایجاد می‌شود که شاید نظر بسیاری از صاحب‌نظران چون اشتاین متز<sup>۲</sup>، ایزوله<sup>۳</sup> ژرژ سورل<sup>۴</sup>، کمپلویچ<sup>۵</sup> درست باشد که معتقدند: "جنگ پدیده‌ای است ابدی و غالباً مفید" (بوتول، گاستون، 22:1368).

هم‌زمان اندیشه مخالفین نظریه فوق قوت می‌گیرد که امکان از بین رفتن جنگ با تغییر ساختار اجتماعی امکان‌پذیر است، هم‌چنان‌که سوسیالیست‌ها بر آن معتقدند؛ هر یک از این دو نظریه دلایل خاص خود را مطرح می‌کنند، طرفداران به جنگ ویژگی‌های جسمانی و دماغی انسان‌ها را برابر نمی‌دانند و به همین دلیل می‌گویند چون نابرابری امری است طبیعی، جنگ هم امری بدیهی و طبیعی است. این افراد براساس اصالت دادن به فرد و ویژگی‌های روان‌شناسی جنگ را توجیه کرده‌اند؛ در مقابل کسانی که به اصالت جمع و جامعه‌شناسی بهاء داده‌اند، حذف جنگ را با تغییرات ساختاری در جامعه ممکن دانسته‌اند. در عین حال هم تغییرات در اشکال جوامع می‌تواند به جلوگیری از جنگ کمک کند و مهم‌تر آنکه برای جلوگیری از رفتارهای پرخاشگریانه و خشونت‌آمیز و هم‌چنین تمایلات برتری طلبانه انسان، نیاز به تربیت و تهذیب نفس ضروری است و مبارزه با خواسته‌های نفسانی از طریق ادیان به‌ویژه اسلام پیشنهاد شده است، هم‌چنان‌که "محراب" محل حرب و جنگ با شیطان است.

---

1- Geopolitics

2- Steinmetz

3- Isoulet

4- George Sorel

5- Gumplowicz

## فهرست منابع

- ادیبی سده، مهدی (1379): *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران، سمت.
- ارسطو، (1371): *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ازغندی، علیرضا (1374): *ارتش و سیاست*، تهران، نشر قومس.
- افتخاری (1363): *مسائل نظامی و استراتژیک*، معاصر، تهران، انتشارات دانشکده حقوق.
- آلن بیرو (1370): *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- بزری، عفیف (1368): *میلیتاریسم امریکا*، مترجم محمد رخشنده، تهران، امیرکبیر.
- بوتول گاستون (1368): *جامعه‌شناسی جنگ*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- بیلیس، جان، بوثکن، گارنت جان، قیل ویلیامز (1369): *استراتژی معاصر*، ترجمه هوشنگ میرفخرائی، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- تافلر الوین، تافلر هایدی (1372): *جنگ و ضد جنگ*، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران، نشر سیمرغ.
- تافلر الوین، تافلر هایدی (1375): *به سوی تمدن جدید*، مترجم محمدرضا جعفری، تهران، نشر سیمرغ.
- تاک، ریچارد (1376): *هابز*، مترجم حسین بشیریه، تهران، طرح نو.
- تقفی عامری، ناصر (1370): *ابتکار دفاع استراتژیک آمریکا یا جنگ ستارگان*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جهانبگلو رامین (1368): *انقلاب فرانسه و جنگ از دیدگاه هگل*، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- جهانبگلو رامین (1378): *کلاز ویتس و نظریه جنگ*، تهران، انتشارات هرمس.

## هفتم

- دورکیهم، امیل (1362): *قواعد روش جامعه شناسی*، مترجم علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دوورژه، موریس (1369): *جامعه شناس سیاسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رابینسون جان، کالدور مری، تامپسون ای. بی، گالتونک یوهان، دیمبلی جونتان، پتنز مایکل (1368): *بحشی در باب خلع سلاح*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، نشر آگاه.
- صدیق سروستانی، رحمت (1375): *همایش و توسعه امنیت عمومی*، تهران، وزارت کشور.
- فضائی یوسف (1356): *پیدایش انسان و آغاز شهرنشینی*، تهران، امیرکبیر.
- قاضی ابوالفضل (1372): *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کرینیک فرانس (1387): *ارتش و علوم اجتماعی*، مترجم محمد مظلوم خراسانی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- کونیک ساموئل (1346): *جامعه شناسی*، ترجمه مشفق همدانی، تهران، امیرکبیر.
- ماکیاولی نیکولو (1374): *شهریار*، ترجمه داریوش آشوری، تهران، کتاب پرواز.
- مان، نورمان (1363): *اصول روان شناسی*، ترجمه محمود ساعتچی، تهران، امیرکبیر.
- مسائلی محمود، ارفعی عالییه (1371): *جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- می، یر، پتیر (1368): *جامعه شناسی جنگ و ارتش*، مترجم محمد صادق مهدوی، علیرضا ازغندی، تهران، نشر قومس.
- نویدنیا، منیژه (1382): *درآمدی بر امنیت اجتماعی*، تهران، فصل نامه مطالعات راهبردی.
- وثوقی، منصور، نیک خلق، علی اکبر (1371): *مبانی جامعه شناسی*، تهران، انتشارات خردمند.
- هابز، توماس (1380): *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
- هاوارد، مایکل (1377): *کلازوپتس*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران، طرح نو.

- Albrecht, Ulrich, Ernst Dieter, Lock Peter, Wulf Herbert (1976): Rüstung und unterentwicklung, Hamburg, rororo.
- Boserup Anders, Mack Andrew (1982): Krieg ohne Waffen? Hamburg, rororo.
- Duve Freimut (1983): Atomwaffen in Europa, Hamburg, rororo.
- Engels, Friedrich(1971): Anti- Dühring, Berlin, Dietz Verlag.
- Vilmar, Fritz(1973): Rüstung and Abrüstung im Spätkapitalismus, Hamburg, rororo.
- Wiesner, J., York, H (1968): "Keine Verteidigung möglich", in krippendorff, Ekkehart (Hrsg), Köln, Berlin, Kiepenheuer und Witsch.